



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
الصلوة  
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



آیة اللہ حیدر قریشی کوپلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# 7 شعبان المعظم روز ولادت اميرالمؤمنين علي (عليه السلام)

نويسنده:

حيدر تربتي كربلايي

ناشر چاپي:

حيب

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

|    |  |
|----|--|
| ۵  | فهرست  |
| ۷  | ۷ شعبان المعظم روز ولادت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)          |
| ۷  | مشخصات کتاب  |
| ۷  | درخواست پاسخ به شبهات  |
| ۱۰ | نقل قول مشهور  |
| ۱۰ | دیگر اقوال   |
| ۱۱ | قول صواب   |
| ۱۱ | قول شیخ طوسی قدس سره   |
| ۱۲ | طریق شیخ طوسی قدس سره به کتاب صفوان                              |
| ۱۳ | وجوه وثاقت صفوان بن مهران الجمال                                 |
| ۱۳ | نکاتی لازم به ذکر  |
| ۱۵ | و دلایل دیگر   |
| ۱۶ | از مؤیدین حدیث شریف و صحیح صفوان از امام جعفر صادق (علیه السلام) |
| ۲۰ | تتمیم: در جواب به برخی اشکالات وارد شده از برخی جاهلان           |
| ۲۰ | تقدیم  |
| ۲۰ | اشکال ۱  |
| ۲۰ | اشکال ۲  |
| ۲۲ | اشکال ۳  |
| ۲۳ | سؤال یکم ما  |
| ۲۷ | سؤال دوم ما  |
| ۲۹ | اشکال ۴  |
| ۲۹ | اشکال ۵  |
| ۳۱ | اشکال ۶  |
| ۳۴ | پی نوشت ها   |



## 7 شعبان المعظم روز ولادت امير المؤمنين عليّ (عليه السلام)

### مشخصات كتاب

سرشناسه : تربتی كربلايي، حيدر، 1338 -

عنوان و نام پديدآور : 7 شعبان المعظم روز ولادت امير المؤمنين عليّ (عليه السلام) / حيدر تربتی كربلايي.

مشخصات نشر : قم: حبيب، 1396.

مشخصات ظاهري : 36 ص.؛ 12×17 س م.

وضعيت فهرست نويسي : فايا

موضوع : علي بن ابی طالب (عليه السلام)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق -- ولادت

رده بندي كنگره : 5/223/BP/ت35الف4 1393

رده بندي ديويي : 297/452

اطلاعات ركورد كتابشناسي : فايا

7 شعبان المعظم

روز ولادت امير المؤمنين عليّ

عليه السلام

تتميم، تكميل و پاسخ به شبهات مطرحه

خيراندیش دیجیتالی : مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان

ص: 1

**درخواست پاسخ به شبهات**

سلام علیکم

احتراما به استحضار می رساند، چندی است در فضاهای اجتماعی پیامی در حال انتشار است، مبنی بر اینکه ولادت مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز سیزده رجب، نقل مشهور است و به خاطر تأکید اهل تسنن و نظر علمای ایشان این شهرت حاصل گردیده؛ وگرنه ولادت حضرتش یا در ششم ذی الحجه بود که بعد از سه روز توقف حضرت فاطمه بنت اسد (سلام الله علیهما) در خانه کعبه و خروج ایشان از آنجا، فردایش روز عرفه بوده است و پس از آن عید قربان ... و نقل هایی از این قبیل ... که پیام آن به پیوست محضر مبارکتان تقدیم می گردد.

لذا برای اینکه این دست تبلیغات باعث تشویش اذهان مؤمنین نگشته و وهنی بر مذهب نباشد، بر آن شدیم، نظر حضرت تعالی را در این باره جويا شویم، تا ان شاء الله راه حلی باشد برای این اختلاف و رفع شبهه از قاطبه مسلمین و شیعیان و ارادتمندان ساحت مقدس علوی (علیه السلام) شود.

ارادتمند و خادم شما رسول زارع 4 رجب المرجب 1438 13 فروردین 1396

ص: 2



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضور محترم حضرت آية الله حيدر تيرتي كربلائي مد ظله

سلام عليكم - لطفاً به سؤال زیر پاسخ فرماييد.

يكي از شبهات كه اخيراً مطرح شده اين است كه اميرالمؤمنين (عليه السلام) در روز نحس به دنيا آمده اند.

آيا ولادت حضرت اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب (عليه السلام) در 13 ماه رجب بوده است يا خير؟

با تشكر 29 ربيع الأول قم المقدسة رضا دهكائي.

ص: 3

## نقل قول مشهور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين،

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

و عليكمما وعلى جميع المسلمين أنفسهم لمحمد وآله السلام ورحمة الله.

جواب تحقیقی و تفصیلی درباره میلاد خجسته و پر برکت مولى الموحدين اميرالمؤمنين علي عليه السلام را عالم بزرگوار علامه فتونى شريف ابوالحسن بن محمد طاهر عاملی متوفای به سال 1138 قذس سرّه جدّ صاحب «کتاب جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام» در کتاب گرانسنگ «ضیاء العالمين في بيان إمامة الأئمة المصطفين عليهم السلام» جلد 4 صفحه 349 الی 356 داده و خلاصه آن به ضمیمه اضافاتی از ما چنین است:

مشهور آن است که آن حضرت در روز سیزده رجب به دنیا آمده و این قول و بقیه اقوال از شخصی به نام عتاب بن أسید بن أبي العيص بن أمية بن عبد شمس بن عبد مناف روایت و گرفته شده و به او بر می گردند، سپس میان مخالف و مؤلف مشهور گشته.

## دیگر اقوال

دیگر اقوال در این باره بدین قرار است:

1- این که شب یکشنبه بیست و سوم رجب بوده. (1)

2- بیست و سوم ماه شعبان. (2)

3- در ماه رمضان بوده. (3)

و هیچکدام از این ها را دلیل و اعتمادی نیست، و همه آن ها خبر است، و از قول معصومین علیهم السلام نیست.

ص: 4

---

1- مطالب السؤول: ص 63 و مسارّ الشیعة.

2- بحار الأنوار: ج 35 ص 7 خ 10.

3- کنز الفوائد: ج 1 ص 255.

عتاب بن أسید اموی است، و حال بنی امیة و عداوت دیرین آنان نزد طائفة حقة امامیة رضوان الله علیهم معلوم است، او بر شهر مکه تا زمان شهادت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) امیر بود، و ابوبکر نیز او را در مقامش باقی گذاشت و در روز مرگ ابوبکر وفات یافت.

پسر او عبد الرحمان مجاهر به عداوت و دشمنی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده، و در روز جنگ جمل با عائشه همراه و بر پیاده سوار لشکر در جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام بود و کشته شد. (1)

و از واضحات است که چنین کسی مورد اعتماد نیست هر چند که ولادت حضرت را در داخل خانه خدا ذکر نموده باشد، زیرا این واقعه در منظر عموم مردم حاضر در شهر مکه اتفاق افتاده و قابل انکار نبوده است.

## قول صواب

### قول شیخ طوسی قدس سره

و قول صواب و درست آن است که شیخ طوسی قدس سره در کتاب شریف «مصباح المتهدد و سلاح المتعبد» از راوی ثقة و جلیل صفوان بن مهران جمال نقل می کند که او در کتاب خود از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«وُلِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْأَحَدِ لِسَبْعِ خَلْوَنَ مِنْ شَعْبَانَ» (2).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز یک شنبه هفتم ماه شعبان متولد شدند.

صریح روایت صفوان از امام جعفر صادق علیه السلام است که میلاد حضرت در 7 شعبان بوده و قابل رد نیست.

و شیخ شهید محمد بن مکی عاملی قدس سره الشریف در کتاب شریف «الدروس الشرعية في فقه الإمامية» جلد 2 صفحه 6 فرموده:

... وَ رُوِيَ سَابِعَ شَعْبَانَ، بَعْدَ مَوْلِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِثَلَاثِينَ

ص: 5

1- شیخ مفید در کتاب الجمل و النصرة لسيد العترة في حرب البصرة: ص 391: می نویسد: در جنگ جمل حضرت علی علیه السلام بر کشته ها می گذشتند که رسیدند به جنازه عبدالرحمان بن عتاب و فرمودند: «هَذَا يَعْسُوبُ الْقَوْمِ وَ رَأْسُهُمْ صَرِيحاً كَمَا تَرَوْنَهُ». بحار الأنوار: ج 32 ص 212 ب 3 ح 167- نهج البلاغة: و من كلام له (عليه السلام) لما مر بطلحة و عبد الرحمان بن عتاب بن أسيد و هما قتيلان يوم الجمل: لقد أصبَحَ أَبُو مُحَمَّدٍ بِهَذَا الْمَكَانِ غَرِيباً- أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَكْرَهُ أَنْ تَكُونَ؟ قُرَيْشٌ؟ فَتَلَى- تَحْتَ بَطُونِ الْكُؤَاكِبِ- أَذْرَكْتُ وَتَرَى مِنْ؟ بَنِي عَبْدٍ مَنَافٍ؟- وَ أَفَلَتَنِي أَعْيَانُ بَنِي جُمَحَ لَقَدْ أَتَلَعُوا أَعْنَاقَهُمْ إِلَى أَمْرِ- لَمْ يَكُونُوا أَهْلَهُ فَوَقَصُوا دُونَهُ.

2- مصباح المتهدد: ج 2 ص 852- روی صفوان الجمال، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: «وُلِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْأَخِيرِ إِسْبَعِ خَلْوَنَ مِنْ شَعْبَانَ».

ایشان تصریح می فرماید که «وَرُوِيَ» و روایت شده است که حضرت علی (علیه السلام) در هفتم ماه شعبان پس از سی سال از زادروز رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) زاده شد.

و در زیارتی که روایت شده حضرت ولّی عصر عجل الله فرجه الشریف با آن امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نموده آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، ... يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا يَوْمَ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ...» (2)

سلام بر درخت نبوی، ... ای مولای من ای امیرالمؤمنین! این روز یکشنبه است و آن روز تو و به نام تو است، و من در آن میهمان و همسایه تو هستم، ...

و این یکی دیگر از موارد مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام است که خبری از شخصی اموی نزد شیعه مشهور می شود و حدیث امام و ولّی معصوم را که بیان می کنیم سبب تعجب و یا انکار برخی می گردد.

### طریق شیخ طوسی قدس سره به کتاب صفوان

ایشان در کتاب «فهرست کتب الشیعة واصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول» طریق خود را به کتاب معروف صفوان چنین ذکر می کند:

«أَخْبَرَنَا ابْنُ أَبِي جَبْدٍ، عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ، عَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ صَفْوَانَ» (3)

و این طریق صحیح است.

ص: 6

1- از او: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم): ج 5 ص 279 و بحار الأنوار: ج 35 ص 7 ب 1 و الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة: ج 17 ص 933 و كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء: ص 12 و جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام: ج 20 ص 89.

2- جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع: ص 31- زیارة أمير المؤمنين (علیه السلام) بروایة من شاهد صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و هو يزور بها في اليقظة لا في النوم يوم الأحد وهو يوم أمير المؤمنين (علیه السلام): السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَ الدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمَرَةِ بِالنَّبُوَّةِ الْمُنَوَّعَةِ بِالْإِمَامَةِ وَ عَلَى ضَجِيْعِكَ أَدَمَ وَ نُوحَ (عليهما السلام). السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَلِّقِينَ بِكَ وَ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَ بِاسْمِكَ وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ فَأُضِيفُنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرُنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الصِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَفْعَلُ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

3- الفهرست رقم 357.

و باید بدانیم که شیخ طوسی قدس سره این حدیث شریف را در کتاب شریف

«مصباح المتهدّج، وسلاح المتعبّد»، که برای عمل شیعیان تألیف شده آورده، و این می رساند که مورد قبول و تأکید وی بوده است.

### وجوه وثاقت صفوان بن مهران الجمال

(1) شیخ نجاشی قدس سره صفوان را توثیق نموده و می نویسد:

وی صاحب کتاب است. (1)

(2) شیخ مفید قدس سره در کتاب «الإرشاد» وی را از شیوخ و خواص اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهاء صالح برشمرده که به امام موسی کاظم علیه السلام تصریح نموده اند (یعنی واقعی نبوده و در اعتقاد مستقیم است).

(3) شیخ طوسی قدس سره او را از اصحاب امام صادق علیه السلام و صاحب کتاب ذکر نموده است.

(4) در طریق المزار الکبیر، ابن المشهدی قدس سره واقع شده، وی در اول کتاب راویان کتاب را توثیق عام نموده است.

(5) از جمله مشایخ ثقات است، و اجلاء از ثقات و فقهاء و روات که برخی نیز از اصحاب اجماع هستند و جز از ثقات روایت نمی کنند، مانند: ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب و یونس بن عبد الرحمن از او روایت نقل کرده اند.

### نکاتی لازم به ذکر

شیخ الطائفة الحقة طوسی قدس سره کتاب «مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد في أعمال السنة» را که از نام آن معلوم است برای عمل مؤمنین تألیف فرموده و نه

ص: 7

کتابی علمی برای اهل علم مانند کتاب «الخلاف» و «المبسوط» و غیر آن‌ها، و در این کتاب شریف حدیثی را که صحیح برای عمل می دانسته ذکر فرموده.

این کتاب شریف طی ده قرن گذشته محل توجه عام و خاص بوده و به آن عمل می شده، و نسخه های فراوانی از آن در بلاد اسلامی و غیر آن‌ها وجود دارد، و از بسیاری از این نسخه ها معلوم می شود که نزد عامه مردم بوده و به آن عمل می کرده اند.

نظر به اهمّیت این کتاب شریف بسیاری از فقهاء و محدّثین آن را شرح و تتمیم و ترجمه و یا اختیار نموده اند، خود شیخ طوسی قدس سرّه آن را تلخیص نموده به نام «مختصر مصباح المتهجّد في أعمال السنّة» که مشهور به «المصباح الصّغير» است، و سیّد جلیل مجدّد الدّین علی بن الحسین بن الباقي القرشيّ الحلّيّ قدس سرّه از علمای امامیه قرن 7 آن را اختیار و اضافه فرموده به نام «إختیار المصباح الكبير وما أضيف إليه من الأدعية» و علامه حلّی، جمال الدّین حسن بن یوسف بن المطهر الحلّيّ متوفای 729 آن را اختصار و اضافه کرده به نام «منهاج الصّلاح في إختصار المصباح» و «قبس المصباح» از شیخ فاضل أبي الحسن سلیمان بن الحسن الصّهرشتيّ از مشاهیر شاگردان شیخ طوسی است، و ملاّ حیدر شیروانی و سیّد عبد الله شبر و نظام الدّین علی بن محمّد هرکدام را «مختصر المصباح» است.

و سیّد جلیل أبو القاسم علی بن موسی بن طاووس الحسنیّ الحلّيّ آن را در 10 کتاب «تتمّات المصباح» شرح و اضافه فرموده، و سیّد جلیل علی بن عبد الحمید الحسینیّ النّیلّيّ متوفای به سال 786 به نام «ایضاح المصباح» مختصر مصباح المتهجّد شیخ طوسی را شرح مفصّلی فرموده و ...

اقوال و اخبار غیر معصومیّه اعتبار ندارند، و اجماعی و تواتری نیز در کار نیست،

و اخبار مخالفین و کتب آن ها نزد ما معتبر نیستند مگر برای احتجاج بر آن ها، و آنچه در کتاب التهذیب آمده کلام استادش شیخ مفید در «المقنعة» است و نه از شیخ طوسی، و کتاب التهذیب شیخ طوسی شرح آن است، و آنچه را ایشان آورده متن المقنعه شیخ مفید است، آن هم خبر است و نه حدیث، و غلط مشهور است، و بقیه مصادر شیعه نیز که آورده اند چنین است.

## و دلائل دیگر

1. فرزندان هر مردی داناترند به مولد پدران خود، و از اهل بیت اطهار علیهم السلام جز این قول نقل نشده، و دیگر اقوال خبر است و از غیر معصومین، و یا از مخالفین و اجانب است.

2. از بعضی از روایات و اخبار به ظهور می رسد که مادر حضرت در 20 ذی الحجة الحرام به حضرت باردار شدند و این که در نه ماهگی وضع حمل نمودند، پس به یقین ولادت حضرت بعد از ماه رجب بوده.

3. روایت مفصلی به سندهای عدیده از ائمة علیهم السلام و از غیر آنان به صراحت آمده که دلالت می کند بر اینکه ولادت حضرت در دهه اول ماه بوده. بلکه ممکن است از آن روایات استفاده شود که آن ماه، ماه شعبان بوده. 4. صریح قرآن است که برخی ایام نحس هستند:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ» (1)

همانا ما در روزهایی شوم بادی سرد فرستادیم.

«فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ ...» (2)

پس ما بر آن ها بادی بسیار سرد در روز شومی دیرپا فرستادیم ...

ص: 9

---

1- سوره (54) القمر آیه 20.

2- سوره (41) فصلت آیه 17.

و روایاتی درباره نحس بودن روز سیزدهم و شوم بودن کسی که در آن روز زاده شود آمده که آن ها را ملاحظه می کنید. (1)

5. در دعاء مشهور از حضرت بقیة الله (سلام الله علیه و عجل الله فرجه) درباره دو مولود در ماه رجب چنین آمده:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي، وَإِبْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ، ...» (2)

بدیهی است که اگر ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در این ماه بود، حتما امام زمان علیه السلام در این دعا ذکر می فرمود، و سخن حضرت که دو مولود این ماه امام محمد جواد و علی هادی (علیهما السلام) است معنی نداشت.

### از مؤیدین حدیث شریف و صحیح صفوان از امام جعفر صادق (علیه السلام)

علامه جلیل شیخ احمد بن الشیخ صالح آل طوق القطیفی، متوفای بعد از سال 1245 در «الرسالة التاسعة عشر از رسائل آل طوق القطیفی» جلد 4 صفحه 49 فصل 2 نوشته:

و لَكِنْ رَوَى الشَّيْخُ فِي الْمِصْبَاحِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: «وُلِدَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْأَحَدِ لِسَنَةِ خَلْوَانَ مِنْ شَعْبَانَ. وَالظَّاهِرُ أَنَّ طَرِيقَ الشَّيْخِ إِلَى صَفْوَانَ صَحِيحٌ، وَظَاهِرٌ بَعْضُ أَكْبَرِ الْمُعَاصِرِينَ الْعَمَلِ بِظَاهِرِهَا.

و می گوید:

و الْأَصَحُّ عِنْدِي أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وُلِدَ يَوْمَ الْأَحَدِ سَابِعَ شَعْبَانَ، وَ الرَّوَايَةُ بِهِ صَحِيحَةٌ؛ لِأَنَّ الشَّيْخَ رَوَاهَا فِي الْمِصْبَاحِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ، وَ طَرِيقَهُ

ص: 10

1- مكارم الأخلاق: ص 474 فصل 6- عن الصادق (عليه السلام): «... الثَّالِثَ عَشَرَ يَوْمَ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ فَانْقَوُوا فِيهِ جَمِيعَ الْأَعْمَالِ ...» .  
الدروع الواقية، سيّد عليّ بن طاووس: ص 262 فصل 23- حدّثنا أبو نصر محمد بن أحمد بن حمدون الواسطيّ قال: حدّثنا أبو الفرج محمد بن عليّ القنانيّ قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن موسى قال: محمد بن عليّ بن معمر الكوفيّ قال: حدّثنا عليّ بن محمد الزاهد قال: حدّثنا عاصم بن حميد قال: قال جعفر بن محمد (عليه السلام) وقد سئل عن إختيارات الأيام فقال: «... الْيَوْمُ الثَّالِثَ عَشَرَ مِنَ الشَّهْرِ يَوْمٌ نَحْسٌ، وَ هُوَ يَوْمٌ سُوءٌ، فَاتَّقِ فِيهِ السُّلْطَانَ أَوْ عُمَّالَهُ وَ غَيْرَ ذَلِكَ، وَ لَا تَطْلُبَنَّ فِيهِ حَاجَةً أَصْلًا...» . وسائل الشيعة: ج 11 ص 400 ب 27 ح 15109-  
2- عليّ بن موسى بن جعفر بن طاووس في كتاب الدرّوع الواقية بإسناده عن الشّيخ أبي جعفر الطّوسيّ، عن جماعة، عن أبي المفضل محمد بن عبد الله بن المطّلب الشيبانيّ - و ذكر أنّه كثير الرواية حسن الحفظ -، عن محمد بن معقل بن وضّاح العجليّ، عن محمد بن الحسن بن بنت إلياس، عن أبيه، عن صدقة بن غزوان، عن أخيه سعيد بن غزوان، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصّادق (عليهما السلام) أنّه ذكر لهم إختيارات الأيام إلى أن قال: «... الثَّالِثَ عَشَرَ يَوْمَ نَحْسٍ يُكْرَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ يُتَّقَى فِيهِ الْمُنَارَعَاتُ وَ الْحُكُومَةُ وَ لِقَاءُ السُّلْطَانِ وَ غَيْرُهُ وَ لَا يَدْهَنُ فِيهِ الرَّأْسُ وَ لَا يَحْلُقُ الشَّعْرُ وَ مَنْ ضَلَّ أَوْ هَرَبَ فِيهِ سَلِمَ...» . بحار الأنوار: ج 56 ص 96 ب 22 ح 1- أَقُولُ رَأَيْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ رَوَى فَضْلُ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) تَوَلَّاهُ اللَّهُ فِي الدَّارَيْنِ بِالْحُسَيْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْعَبَّاسِ الدُّورِيسْتِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْمُؤَنَسِيِّ الْقُمِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ عَنْ





إِلَيْهِ صَحِيحٌ، وَهُوَ ثِقَةٌ جَلِيلٌ ...

ایشان تصریح دارد به صحت سند روایت صفوان، و این که صحیح ترین سند است نزد اوست، دیگر این که بزرگان از علماء امامیه معاصرینش عمل به ظاهر حدیث صفوان از امام جعفر صادق علیه السلام می کنند، و این عمل آنان گویای این است که قول 13 رجب نزد همه شیعیان مشهور و مسلم بوده است.

و علامه ابوصالح محمد المهدی ابن بهاء الدین محمد ملقب به صالح بن الشیخ معتوق بن عبد الحمید الفتونی العاملی النبطی النجفی التَّسَابَةِ، متوفی 1183 هجری قمری، صاحب کتاب «حدیقة النَّسَب» چنین سروده:

مَوْلِدُهُ الْجُمُعَةُ يَوْمَ السَّابِعِ \*\*\* فِي شَهْرِ شَعْبَانَ بَيْتِ الصَّانِعِ

وَقَدْ حَلَّتْ مِنْهُ ثَلَاثُونَ سَنَةً \*\*\* مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ فَأَعْلَمَ سُنَّتَهُ

... روز هفتم ماه شعبان بود ...

و شیخ حسن بن محمد بن علی بن محمد تقی بن بهاء الدین فتونی همدانی آملی حائری در قصیده ای که به سال 1278 هجری قمری در تاریخ ائمه هدی علیهم السلام سروده، و آن را «دوحة المهدی» نامیده است، چنین می گوید:

و فِي ضَحَى الْجُمُعَةِ قَدْ تَوَلَّدَا \*\*\* مُطَهَّرًا مُكْرَمًا مُسَدِّدًا

وَ كَانَ ذَا فِي كَعْبَةِ الرَّحْمَانِ \*\*\* لِسَبْعَةِ خَلْوَنٍ مِنْ شَعْبَانَ (1)

... هفت روز گذشته از شعبان بود.

به همین مقدار در این جا اکتفا می شود.

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ». (2)

لازم به ذکر است:

ص: 11

1- مولود کعبه، علامه اردوبادی، ترجمه عیسی اهری: ص 158.

2- سوره (50) ق آیه 38.

اقامه مجالس احياء امر اهلبيت خاصه اميرالمؤمنين عليهم السلام در هر زماني و از آن ها روز سيزدهم ماه رجب و ذكر فضائل آنان در چنين روزي نه تنها مانعي ندارد كه اجر و ثواب دارد، لكن بدانيم از ظلم هايي كه بر اين خاندان رفته اين است كه سخن صريح امام معصوم درباره تاريخ دقيق ميلاد آن حضرت کنار گذاشته شده و معمول نيست و تاريخي جعلی كه منشأ آن خبری از یکی از امويان كه از دشمنان آن حضرت بوده اند میان شيعيان مشهور و معمول گشته است، بایسته است در اين امر نیز به فرمایش امام معصوم جعفر صادق عليه السلام عمل كنيم و روز ولادت واقعي حضرت را به ذكر فضائل و مناقب آن حضرت احياء نموده و قلب قلب عالم موجود را شاد نماييم. از ذات الله تبارك و تعالی می خواهيم به ارادتمندان اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام بصيرت بيشرت عنایت کند و توفيق پیروی از اهلبيت عصمت و طهارت عليهم السلام را در همه چیز عطا فرماید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

والسلام عليكما ورحمة الله وبركاته.

العاصي ربّه الكريم حيدر حسين الترتبي الكربلائي

غفر الله له ولوالديه، آمين.

يوم الثلاثاء 30 ربيع الأول سنة 1439.

ص: 12

## تتمیم: در جواب به برخی اشکالات وارد شده از برخی جاهلان

### تقدیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين،

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

نظر به این که عامه مردم میلاد پربرکت سید الأوصیاء و أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در روز سیزدهم ماه رجب می دانند، و مطرح کردن این حقیقت که اساس قول به سیزدهم رجب نادرست است و از قول یکی از امویان است و نه از قول معصوم پذیرفتن آن برایشان سنگین است که جای خود دارد لکن برخی جاهلان خودشیفته با مطرح کردن اشکالاتی که به نظرشان می رسد با حقائق علمی و تاریخی مخالفت کرده و از قبول آن ها سرباز می زنند، و ما جهت تتمیم جوابیه خودمان در سال گذشته و برای روشن شدن بیشتر در این باره به اهم اشکالات مطرحه پاسخ می دهیم، تا خدمتی به ساحت مولی الموحدين علیه السلام و مؤمنین به ولایتش باشد.

### اشکال 1

چگونه تولدی که هر بچه شیعه در 13 رجب می داند را شما خدشه

می کنید و هفتم ماه شعبان را جشن می گیرید؟!

جواب- زیرا اساس این شهرت را می دانیم و آن را فاقد اعتبار دانسته و قول روشن معصوم علیه السلام را اصل می دانیم.

### اشکال 2

در ضمن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) او را به امارت برگزیده اند. (1)

جواب- لازم به ذکر است که او پس از فتح مکه اسلام آورده، و او را بر اهل مکه که یا مانند او تازه مسلمان و یا از طلقاء و یا منافق بودند امارت داد، آن هم در برخی

ص: 13

---

1- بحار الأنوار: ج 21 ص 121 ب 26 ح 20- تفسیر الإمام (علیه السلام) قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَظْلَمَ مِنْ مَنْعِ مَسَاجِدِ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أَوْلِيكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ قَالَ الْإِمَامُ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) بِمَكَّةَ وَ أَظْهَرَ بِهَا دَعْوَتَهُ وَ نَشَرَ بِهَا كَلِمَتَهُ وَ عَابَ أَعْيَانَهُمْ فِي عِبَادَتِهِمْ الْأَصْدَ نَامَ وَ أَخَذُوهُ وَ أَسَاءُوا مُعَاشَرَتَهُ وَ سَعَوْا فِي خَرَابِ الْمَسَاجِدِ الْمُنَبِّيَّةِ كَانَتْ لِلْقَوْمِ مِنْ خِيَارِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) وَ شِيَعِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ بِنَاءِ الْكَعْبَةِ مَسَاجِدُ يُحْيُونَ فِيهَا مَا أَمَاتَهُ الْمُبْطِلُونَ فَسَعَى هَؤُلَاءِ الْمَشْرُكُونَ فِي خَرَابِهَا وَ أَدَى مُحَمَّدٍ وَ أَصْحَابِهِ وَ إِبْرَائِيهِ إِلَى الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ نَحْوَ الْمَدِينَةِ الْبَيْتِ الْخَلْفَةِ إِلَيْهَا وَ قَالَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّي أَحْبَبُكَ وَ لَوْلَا أَنَّ أَهْلَكَ

أَخْرَجُونِي عَنْكَ لَمَا آثَرْتُ عَلَيْكَ بَدَأًا وَلَا ابْتَغَيْتُ عَلَيْكَ بَدَلًا وَإِنِّي لَمُعْتَمِدٌ عَلَى مُفَارَقَتِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى بِقِرَاءَةِ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ سَبْرُكَ إِلَى هَذَا الْبَلَدِ ظَافِرًا غَانِمًا سَالِمًا قَادِرًا قَاهِرًا وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدَكَ إِلَى مَعَادٍ يَعْنِي إِلَى مَكَّةَ غَانِمًا ظَافِرًا فَأَخْبَرَ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَصْحَابَهُ فَأَتَصَلَ بِأَهْلِ مَكَّةَ فَسَخِرُوا مِنْهُ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سَوْفَ يُظْفِرُكَ اللَّهُ بِمَكَّةَ وَيَجْرِي عَلَيْهِمْ حُكْمِي وَسَوْفَ أَمْنَعُ عَنْ دُخُولِهَا الْمَشْرُوكِينَ حَتَّى لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا خَائِفًا أَوْ دَخَلَهَا مُسْتَخْفِيًا مِنْ أَنَّهُ إِنْ عَثِرَ عَلَيْهِ قُتِلَ فَلَمَّا حُتِمَ قَضَاءُ اللَّهِ بِفَتْحِ مَكَّةَ وَاسْتَوْسَدَتْ لَهُ أَمْرٌ عَلَيْهِمْ عَتَّابُ بْنُ أَسِيدٍ فَلَمَّا اتَّصَلَ بِهِمْ خَبْرُهُ قَالُوا إِنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَا يَزَالُ يَسْتَخِفُّ بِنَا حَتَّى وَلَّى عَلَيْنَا غَلَامًا حَدَّثَ السَّنَّ ابْنَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَنَحْنُ مَشَائِخُ ذَوِي (ذَوُو) الْأَسَدَانِ وَجِيرَانُ حَرَمِ اللَّهِ الْأَمْنِ وَخَيْرِ بُقْعَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَكَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِعَتَّابِ بْنِ أَسِيدٍ عَهْدًا عَلَى مَكَّةَ وَكَتَبَ فِي أَوَّلِهِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِلَى جِيرَانِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَسُكَّانِ حَرَمِ اللَّهِ أَمَّا بَعْدُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي أَقْوَالِهِ مُصَدِّقًا وَفِي أَعْمَالِهِ مُصَوِّبًا وَلِعَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَامُ) أَخِي مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَسُولِهِ وَنَبِيِّهِ وَصِدِّيقِهِ وَخَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَهُ مُوَالِيًا فَهُوَ مِنَّا وَإِنِّي وَمَنْ كَانَ لِدَلِكِ أَوْ لِيَشِيءُ مِنْهُ مُخَالِفًا فَسَبْحًا وَبَعْدًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ وَإِنْ عَظُمَ وَكَبُرَ يُصَلِّيه نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُحَلَّدًا أَبَدًا وَقَدْ قَلَّدَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَتَّابَ بْنَ أَسِيدٍ أَحْكَامَكُمْ وَمَصَالِحَكُمْ وَقَدْ فَوَّضَ إِلَيْهِ تَنْبِيهَ غَافِلِكُمْ وَتَعْلِيمَ جَاهِلِكُمْ وَتَقْوِيمَ أَوْدِ مُضْطَرِّبِكُمْ وَتَأْدِيبَ مَنْ زَالَ عَنْ آدَبِ اللَّهِ مِنْكُمْ لِمَا عَلِمَ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ مُوَالَاهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَمِنْ رُجْحَانِهِ فِي التَّعَصُّبِ لِعَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَامُ) وَلِيِّ اللَّهِ فَهُوَ لَنَا خَادِمٌ وَفِي اللَّهِ أَخٌ وَوَالِدٌ لَنَا مَوَالٍ وَوَالِدَاتُنَا مَوَالٍ وَوَالِدَاتُنَا مَوَالٍ وَهُوَ لَكُمْ سَمَاءٌ ظَلِيلَةٌ وَأَرْضٌ زَكِيَّةٌ وَسَمْسٌ مُضِيئَةٌ قَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلَى كَافَّةِكُمْ بِفَضْلِ مُوَالَاتِهِ وَمَحَبَّتِهِ لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَعَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَامُ) وَالطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) وَحَكْمَهُ عَلَيْكُمْ يَعْمَلُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فَلَنْ يُخْلِيَهُ مِنْ تَوْفِيقِهِ كَمَا أَكْمَلَ مِنْ مُوَالَاهِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَعَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَامُ) (عَلِيهِ السَّلَامُ) شَرَفَهُ وَحَظَّهُ لَا يُؤَامِرُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَلَا يُطَالِعُهُ بَلْ هُوَ السَّيِّدُ الْأَمِينُ فَلْيُطْمَعِ الْمُطِيعُ مِنْكُمْ بِحَسَنِ مَعَامَلَتِهِ شَرِيفِ الْجَزَاءِ وَعَظِيمِ الْجِبَاءِ وَلِيَتَوَقَّى الْمُخَالَفَ لَهُ شَدِيدَ الْعَذَابِ وَغَضَبَ الْمَلِكِ الْعَزِيزِ الْغَلَّابِ وَلَا يَحْتَجِّجْ مُحْتَجِّجٌ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصِدِّ غَيْرِ سِيئَةٍ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ وَهُوَ الْأَكْبَرُ فِي مُوَالَاتِنَا وَمُوَالَاهِ أَوْلِيَانَا وَمُعَادَاهِ أَعْدَائِنَا فَلِذَلِكَ جَعَلْنَاهُ الْأَمِيرَ عَلَيْكُمْ وَالرَّيْسَ عَلَيْكُمْ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَمَرَّحَبًا بِهِ وَمَنْ خَالَفَهُ فَلَا يُبْعِدُ اللَّهُ غَيْرَهُ قَالَ فَلَمَّا وَصَلَ إِلَيْهِمْ عَتَّابٌ وَقَرَأَ عَهْدَهُ وَوَقَفَ فِيهِمْ مَوْقِفًا ظَاهِرًا نَادَى فِي جَمَاعَتِهِمْ حَتَّى حَضَرُوهُ وَقَالَ لَهُمْ مَعَاشِرَ أَهْلِ مَكَّةَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَمَانِي بِكُمْ شَيْهَابًا مُحْرِقًا لِمَنْدَافِكُمْ وَرَحْمَةً وَبَرَكَهَةً عَلَى مُؤْمِنِكُمْ وَإِنِّي أَعْلَمُ النَّاسَ بِكُمْ وَبِمَنْدَافِكُمْ وَسَوْفَ أَمُرُّكُمْ بِالصَّلَاةِ فَيَقَامُ بِهَا ثُمَّ أَنْخَلَفُ أُرَاعِي النَّاسَ فَمَنْ وَجَدْتُهُ قَدْ لَزِمَ الْجَمَاعَةَ التَّرَمُّتُ لَهُ حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَمَنْ وَجَدْتُهُ قَدْ بَعَدَ عَنْهَا فَتَشَّدْتُهُ فَإِنْ وَجَدْتُهُ لَهُ عُدْرًا عَذْرَتُهُ وَإِنْ لَمْ أَجِدْ لَهُ عُدْرًا ضَرَبْتُ عَنْقَهُ حُكْمًا مِنَ اللَّهِ مَقْضِيًّا عَلَى كَافَّةِكُمْ لِأَطْهَرِ حَرَمِ اللَّهِ مِنَ الْمُنَافِقِينَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الصِّدْقَ أَمَانَةٌ وَالْفُجُورَ خِيَانَةٌ وَلَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ إِلَّا ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ فَوَيْكُمُ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ وَضَعِيفُكُمْ عِنْدِي قَوِيٌّ حَتَّى آخَذَ الْحَقُّ لَهُ اتَّقُوا اللَّهَ وَشَرُّوا بِطَاعِهِ اللَّهُ أَنْفَسَكُمْ وَلَا تَدُلُّوهُا بِمُخَالَفَةِ رَبِّكُمْ فَفَعَلَ وَاللَّهِ كَمَا قَالَ وَعَدَلُ وَأَنْصَفَ وَأَنْفَذَ الْأَحْكَامَ مُهْتَدِيًا يَهْدِي اللَّهُ غَيْرَ مُحْتَجِّجٍ إِلَى مُؤَامَرِهِ وَلَا مُرَاجِعَةٍ.

از امور اجرائی و معاذ را برای تعلیم فقه و دین مردم قرار دادند، لذا امارت او چندان چیزی نبود، اضافه بر آن این که او بدون اجازه از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) اقامه امر حج را به دست گرفت.

و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) حسب ظاهر افراد با آنان رفتار می کرد و نه باطن و ایمان آنان، تا بگوییم که او مؤمن و عادل و ثقه بوده است، و صرف امارت گرفتن دلالت بر ایمان که امری باطنی است نمی کند.

و می گوییم: کسانی چون ابوموسی اشعری نیز امارت داشتند و کسانی چون عثمان را نیز بر برخی از اماکن والی نمودند، و برخی چون خالد بن الولید سقاک نیز بر برخی سریّه ها بودند و کسانی چون شلمغانی وکالت امام را داشتند و عاقبت اظهار کفر باطنی خود نمودند و مطرود و تکفیر شدند، و دیگران ... و این دلالت بر عدالت و وثاقت آنان نمی کند، و معصوم بنابر حکمت هایی چنین می کردند.

نتیجه: دلیلی بر توثیق عتّاب وجود ندارد، و هیچ مدحی درباره عتّاب نیست، و دو روایتی را که درباره انتصاب ایشان به امارت بر شهر مکه توسط رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده اند مأخذ آن تفسیر منسوب به امام حسن زکّی عسکری علیه السلام است، و دلالت بر توثیق او نمی کند.

### اشکال 3

صرف ابقاء عتّاب به امارت مکه به وسیله ابوبکر دلیل بر عداوت نیست، زیرا افرادی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بودند که ابقاء یا انتخاب شدند.

جواب- گذشته از عداوت ها و کینه ها و اذیت های قریشیان و بنی امیّه به خاندان وحی از آغاز اسلام که مفصل است، شخص عتّاب بن أسید از بنی امیّه است و مدحی که دالّ بر ایمان و عدالت و حتی وثاقت ایشان از طریق امامیّه وجود ندارد،

پس خیرا و اعتبار ندارد.

اضافه بر آن، هیچ خبری دالّ بر ارتباط حسنه او با خاندان وحی وجود ندارد، بلکه بنابر شواهد تاریخی حتی از کتب مخالفین، ایشان پس از شهادت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) از ترس کشته شدن به دست مردم تا مدتی متواری و مخفی شد، تا این که سهیل بن عمرو مخزومی باقی ماند و خطبه ای خواند و از اقدام قریشیان بر ارتداد عمومی آنان جلوگیری کرد، آن گاه که مردم از قصد خود بازگشتند عتّاب نیز از مخفیگاه خود خارج و ظاهرگشت. (1)

دیگر این که اگر او مانند اصحاب سقیفة سخیفة ملعونة نبود او را در پست خود ابقاء نمی نمودند، فتأمل جیداً. (2)

## سؤال یکم ما

آیا عتّاب خود در سنی بوده تا این که شاهد تولد امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام باشد؟ و یا این که او از دیگری نقل نموده است؟ در نتیجه عن حسّ بوده و یا عن حدس؟ و در صورتی که از کس دیگری نقل نموده است آن شخص مجهول است، و اگر از خود نقل نموده که باز هم درست نیست زیرا که او هنوز به دنیا نیامده است و باز هم خبر او نادرست است.

در این جا باید دو مطلب ذکر شوند تا نتیجه درست به دست بیاید:

آنچه درباره او در کتب تاریخ آمده:

1- او در سال فتح مکه 8 هجرت اسلام آورد، و در ششم ماه شوال که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) از مکه به سوی حنین و برای جنگ با هوازن خارج گردید او را به ولایت مکه گمارد. (3)

و جنگ حنین در 10 ماه شوال سال 8 هجرت واقع گشت.

ص: 15

1- کنز العمال: ج 13 ص 430.

2- قاموس الرجال: ج 7 ص 102 رقم 4779- عتّاب بن أسید الأمویّ: قال: عدّه الثّلاثة فی أصحابِ الرّسولِ صلّی الله علیه و آله و سلّم «أسلم يوم الفتح، و استعمله النّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم علی مکه، و توفّی يوم موت أبي بكر»، و إني فيه متوقّف، لا سیما بعد كونه من بني أمیة. أقول: وردّ فيه مدائح كثيرة فی التفسیر المنسوب إلى العسکریّ علیه السلام إلا أنه تفسیر مجعولٌ منكرٌ، ولولا كونه مثلهم لما أبقاه أبو بكر أميراً.

3- الطبقات الكبرى: ج 3 ص 139. البداية والنهاية: ج 4 ص 325: وَ ذَكَرَ ابْنُ إِسْحَاقَ أَنَّهُ (رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم)) من مکه فی خامس شوال. قال: وَ اسْتَخْلَفَ عَلِيَّ أَهْلَ مَكَّةَ عِتَّابُ بْنُ أُسَيْدِ بْنِ أَبِي الْعَيْصِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسِ الْأُمَوِيِّ. قُلْتُ: وَ كَانَ عَمْرُهُ إِذْ ذَاكَ قَرِيبًا مِنْ عَشْرِينَ سَنَةً... السّيرة الحلبیة: ج 3 ص 104: وَ وُلِّيَ (رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم)) عتّاب بن أسید و عمره إحدى وعشرون سنة أمر مکه و أمره أن یصلّي بالنّاس وَ هُوَ أَوَّلُ أَمِيرٍ صَلَّي بِمَكَّةَ بَعْدَ الْفَتْحِ جَمَاعَةً. و در بسیاری از کتب تاریخ و سیره مانند این نقل ها که ذکر شد آمده است.

لازم به ذکر است، در تاریخ آمده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) او را بر امارت حج نگمارده بودند و او از سر خود و بدون اجازه آن حضرت امارت حج را نیز به دست گرفت.

2- امیر المؤمنین (علیه السلام) که به شهادت رسیدند 63 سال از عمر شریفشان گذشت، آن حضرت در سال 30 بعد از عام الفیل به دنیا آمدند و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) 30 سال از عمر شریفشان گذشته بود، 10 سال تا بعثت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و 13 سال پس از بعثت را در مکه بودند، و 10 سال در بقیه عمر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) با آن حضرت در مدینه بودند، و 25 سال دوران غصب خلافت بود و 5 سال دوران خلافت ظاهری حضرتش که مجموع آن می شود 63 سال.

بعثت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) 10 سال بعد از ولادت آن حضرت اتفاق افتاد، و در سال 13 بعثت هجرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از شهر مکه به مدینه الرسول انجام گرفت، میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام 23 سال قبل از هجرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است، و فتح مکه در سال 8 هجری اتفاق افتاده است، نتیجه این که عمر شریف دنیایی امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام فتح مکه 31 سال بوده است. (1)

طبق روایت تفسیر منسوب به امام حسن زکی عسکری علیه السلام، زمانی که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) او را امارت مکه دادند 18 ساله بوده، و بنابر نقل بیشتر کتاب های مخالفین کمتر از 20 سال داشته و برخی گفته اند 21 ساله بوده است. (2)

نتیجه: این که عتاب بن أسید در آن زمان به دنیا نیامده و شاهد زادروز امیرالمؤمنین علیه السلام نبوده است، و قطعا از دیگری نقل کرده که آن شخص مجهول است، و خبر مرسل است و فاقد اعتبار.

ص: 16

1- مصباح المتهدد و سلاح المتعبد: ص 791- شهر ربیع الأول: أَوْلَ لَيْلِهِ مِنْهُ هَاجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ سَنَةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مِنْ مَبْعَثِهِ وَفِيهَا كَانَ مَبِيتُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فِرَاشِهِ وَكَانَتْ لَيْلَةُ الْخَمِيسِ وَفِي لَيْلِهِ الرَّابِعُ مِنْهُ كَانَ خُرُوجُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ مِنَ الْغَارِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْمَدِينَةِ. الكافي: ج 1 ص 39؛ أبواب التاريخ، باب مولد النبي صلى الله عليه وآله ووفاته: وُلِدَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِأَثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ فِي عَامِ الْفِيلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَعَ الزَّوَالِ وَرُويَ أَيْضًا عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ بِأَرْبَعِينَ سَنَةً وَحَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى وَكَانَتْ فِي مَنْزِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَوَلَدَتْهُ فِي شِعْبِ أَبِي طَالِبٍ فِي دَارِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ فِي الزَّوَايَةِ الْقُصُوى عَنْ يَسَارِكِ وَأَنْتَ دَاخِلُ الدَّارِ وَقَدْ أَخْرَجَتِ الْخَيْرُزَانُ ذَلِكَ الْبَيْتَ فَصَيَّرَتْهُ مَسْجِدًا يُصَلِّي النَّاسُ فِيهِ وَبَقِيَ بِمَكَّةَ بَعْدَ مَبْعَثِهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً ثُمَّ هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَكَثَّ بِهَا عَشْرَ سِنِينَ ثُمَّ قُبِضَ لَأَثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثٍ وَسِتِّينَ سَنَةً وَتُوْفِّيَ أَبُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَ أَخْوَالِهِ وَهُوَ ابْنُ سِتِّينَ وَوَلَدَتْهُ أُمُّهُ أَمِنَةُ بِنْتُ وَهَبِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ بْنِ زُهْرَةَ بْنِ كِلَابِ بْنِ مُرَّةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ وَهُوَ ابْنُ أَرْبَعِ سِنِينَ وَوَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَلنَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نَحْوُ ثَمَانِ سِنِينَ وَتَزَوَّجَ خَدِيجَةَ وَهُوَ ابْنُ بَضْعَ وَعَشْرِينَ سَنَةً فَوُلِدَ لَهُ مِنْهَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) الْقَاسِمُ وَرُقِيَّةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلثُومِ وَوُلِدَ لَهُ بَعْدَ الْمَبْعَثِ الطَّيِّبُ وَالطَّاهِرُ وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَرُويَ أَيْضًا أَنَّهُ لَمْ يُولَدْ بَعْدَ الْمَبْعَثِ إِلَّا فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَأَنَّ الطَّيِّبَ وَالطَّاهِرَ وَوُلِدَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ وَوَلَدَتْ خَدِيجَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) حِينَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنَ الشَّعْبِ وَكَانَ ذَلِكَ قَبْلَ الْهَجْرَةِ بِسَنَةٍ وَوَلَدَتْ أَبُو طَالِبٍ بَعْدَ مَوْتِ خَدِيجَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِسَنَةٍ فَلَمَّا قَدَّهَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) كَانَ ذَلِكَ إِلى جَبْرِئِيلَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَخْرُجْ مِنَ الْقُرَيْيَةِ الطَّالِمِ أَهْلُهَا فَلَيْسَ لَكَ بِمَكَّةَ



نَاصِرٌ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَمْرَهُ بِالْهَجْرَةِ. الكافي: ج 8 ص 338 ح 539- (محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن - معلق) ابنُ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَدِّبِ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ابْنُ كَمْ كَانَ عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَوْمَ أُسِّمَ فَقَالَ أَوْ كَانَ كَافِرًا قَطُّ إِنَّمَا كَانَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) حَيْثُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) عَشْرُ سِنِينَ وَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ كَافِرًا وَ لَقَدْ آمَنَ بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ بِرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ سَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ إِلَى الصَّلَاةِ بِثَلَاثِ سِنِينَ وَ كَانَتْ أَوَّلَ صَلَاةٍ صَلَّاهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) الظُّهْرَ رُكْعَتَيْنِ وَ كَذَلِكَ فَرَضَ هَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ مَنْ أُسْلِمَ بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) يُصَلِّي بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ وَ يُصَلِّي بِهَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَعَهُ بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ مُدَّةَ عَشْرِ سِنِينَ حَتَّى هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) إِلَى الْمَدِينَةِ وَ خَلَفَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي أُمُورٍ لَمْ يَكُنْ يَقُومُ بِهَا أَحَدٌ غَيْرُهُ وَ كَانَ خُرُوجَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) مِنْ مَكَّةَ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ رِيْبِ الْأَوَّلِ وَ ذَلِكَ يَوْمَ الْخَمِيسِ مِنْ سَنَةِ ثَلَاثِ عَشْرَةَ مِنَ الْمُبْعَثِ وَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ لِأَنَّيَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلْتُ مِنْ شَهْرِ رِيْبِ الْأَوَّلِ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَنَزَلَ بِقُبَا فَصَلَّى الظُّهْرَ رُكْعَتَيْنِ وَ الْعَصْرَ رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ مُقِيمًا يَنْتَظِرُ عَلِيًّا (عليه السلام) يُصَلِّي الْخَمْسَ صَلَوَاتٍ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ وَ كَانَ نَازِلًا عَلَى عَمْرٍ وَ بِنِ عَوْفٍ فَأَقَامَ عِنْدَهُمْ بِضْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا يَقُولُونَ لَهُ أَ تَقِيمُ عِنْدَنَا فَتَنَحِّدَ لَكَ مَنْزِلًا وَ مَسْجِدًا فَيَقُولُ لَا إِنِّي أَنْتَظِرُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ قَدْ أَمَرْتُهُ أَنْ يَلْحَقَنِي وَ لَسْتُ مَسْ تَوْطِنًا مَنْزِلًا حَتَّى يَقْدَمَ عَلَيَّ (عليه السلام) وَ مَا أَسْرَعَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَدِمَ عَلَيَّ (عليه السلام) وَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فِي بَيْتِ عَمْرٍ وَ بِنِ عَوْفٍ فَنَزَلَ مَعَهُ ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) لَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ عَلِيٌّ (عليه السلام) تَحَوَّلَ مِنْ قُبَا إِلَى بَنِي سَالِمِ بْنِ عَوْفٍ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَعَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَخَطَّ لَهُمْ مَسْجِدًا وَ نَصَبَ قِبْلَتَهُ فَصَلَّى بِهِمْ فِيهِ الْجُمُعَةَ رُكْعَتَيْنِ وَ خَطَبَ خُطْبَتَيْنِ ثُمَّ رَاحَ مِنْ يَوْمِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ عَلَى نَاقَتِهِ الَّتِي كَانَ قَدِمَ عَلَيْهَا وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَعَهُ لَا يَفَارِقُهُ يَمْشِي بِمَشْيِهِ وَ لَيْسَ يَمُرُّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بِبَطْنٍ مِنْ بَطُونِ الْأَنْصَارِ إِلَّا قَامُوا إِلَيْهِ يَسْأَلُونَهُ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُ لَهُمْ خَلُّوا سَبِيلَ النَّاقَةِ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ فَانْطَلَقَتْ بِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَاضِعٌ لَهَا زِمَامَهَا حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تَرَى وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَابِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) الَّذِي يُصَلِّي عِنْدَهُ بِالْجَنَائِزِ فَوَقَفَتْ عِنْدَهُ وَ بَرَكَتْ وَ وَضَعَتْ جِرَانَهَا عَلَى الْأَرْضِ فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ أَقْبَلَ أَبُو أَيُّوبَ مُبَادِرًا حَتَّى احْتَمَلَ رَحْلَهُ فَأَدْخَلَهُ مَنْزِلَهُ وَ نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَعَهُ حَتَّى بُنِيَ لَهُ مَسْجِدُهُ بُنِيَتْ لَهُ مَسَاكِنُهُ وَ مَنْزِلُ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَتَحَوَّلَا إِلَى مَنْزِلَيْهِمَا ... قصص الأنبياء عليهم السلام، القطب الراوندي: ص 316 ح 394- وإن أباه (صلى الله عليه وآله وسلم) توفي وأمه حبلى وقدمت أمه آمنة بنت وهب على أخواله من بني عدي من التجار بالمدينة ... وأقام بعد البعثة بمكة ثلاث عشرة سنة ثم هاجر منها إلى المدينة بعد أن استتر في الغار ثلاثة أيام ودخل المدينة يوم الإثنين الحادى عشر من شهر ربيع الأول وبقي بها عشر سنين ثم قبض (صلى الله عليه وآله وسلم) يوم الإثنين ليلتين بقيتا من صفر سنة إحدى عشرة من الهجرة. الإقبال بالأعمال الحسنة: ج 3 ص 105- رويانا عن شيخنا المفيد رضوان الله عليه من كتاب حدائق الرياض عند ذكر شهر ربيع الأول ما هذا لفظه: أول يوم منه هاجر النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) من مكة إلى المدينة - سنة ثلاث عشرة من مبعثه (صلى الله عليه وآله وسلم) وكان ذلك يوم الخميس يستحب صيامه لما أظهر الله فيه من أمر نبيه ونجاه من عدوه. المصباح (جنة الأمان الواقية)، الكفعمي: ص 510- ربيع الأول سمي بذلك لارتباع الناس فيه وكذا ربيع الثاني لأن صلاح أحوالهم كانت في هذين الشهرين في ربيع ... وفي أول ليلة منه هاجر النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) من مكة إلى المدينة سنة ثلاث عشرة من مبعثه (صلى الله عليه وآله وسلم) وكان ذلك ليلة الخميس وفيها كان مبيت علي عليه السلام على فراش النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وفي صبيحة هذه الليلة صار المشركون إلى باب الغار وأقام النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) في الغار ثلاثة أيام بلياليهن وخرج في رابعه متوجهاً إلى المدينة فوصلها يوم الثاني عشر.

2- مستدركات علم رجال الحديث: ج 5 ص 201 الرقم 9220- عَنَّا بِنُ أُسَيْدِ بْنِ الْعِيصِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسِ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقُرَشِيِّ الْأُمَوِيِّ: أُسْلِمَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ. يَطْهَرُ مِنْ تَقْسِيرِ الْإِمَامِ أَنَّهُ أَمْرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ وَ لَهُ ثَمَانِيَةَ عَشْرَ سَنَةً. وَ كَتَبَ إِلَيْهِمْ

فِي ذَلِكَ كِتَابًا يُسَدُّ تَفَادُ مِنْهُ مَدْحُهُ وَجَلَالَتُهُ. فَرَاغَ إِلَى بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 21 ص 122 وَ 174. تُوفِّيَ يَوْمَ مَوْتِ أَبِي بَكْرٍ. وَابْنُهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَتَّابٍ قُتِلَ مَعَ مَنْ قُتِلَ مِنْ أَصْحَابِ الْجَمَلِ. قَوْلُهُ يَوْمَ فَتَحَ مَكَّةَ حِينَ سَمِعَ أَذَانَ بِلَالٍ عَلَى ظَهْرِ الْكَعْبَةِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَبَضَ أَبِي حَتَّى لَمْ يَرِ هَذَا الْيَوْمَ. بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 22 ص 54. وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ كَانَ قَبْلَ إِسْلَامِهِ. فَلَمَّا أَسْلَمَ مَحَا عَارَهُ الْإِسْلَامَ، لِأَنَّهُ يَحِبُّ مَا قَبْلَهُ.

آیا کسی که با حکومت غاصبانه و ظالمانه پس از شهادت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) تا مرگ اولی همکاری کرده، و هیچ گزارشی از ارتباط حسنه او با اهل بیت اطهار علیهم السلام وجود ندارد فردی ثقة است و خبر او اعتبار دارد؟

اشکال: چرا قول ابن عیاش استاد ابن شاذان قمی و نجاشی را نیاورده اید؟

جواب- می گوئیم: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عبید الله بن الحسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب الجوهري، بنابر شهادت رجالی بزرگ شیخ نجاشی در کتاب «فهرست أسماء مصنفی الشیعة» معروف به «رجال النجاشی»:

«كَانَ سَمِعَ الْحَدِيثَ وَ أَكْثَرَ وَ اضْطَرَبَ فِي آخِرِ عُمَرِهِ ... رَحِمَهُ اللَّهُ وَ سَامَحَهُ» (1)

و شیخ طوسی در کتاب «الرجال»:

«كثير الرواية إلا أنه اختل في آخر عمره» (2)

و در کتاب «فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول»:

«كَانَ سَمِعَ الْحَدِيثَ وَ أَكْثَرَ، وَ اخْتَلَّ فِي آخِرِ عُمَرِهِ» (3)

اضطراب داشته است، و از کلام شیخ نجاشی که می گوید: «رَحِمَهُ اللَّهُ وَ سَامَحَهُ» معلوم می شود که اضطراب او در دین بوده است و نه اختلال روانی و روحی، و ما نمی دانیم آیا خبر ولادت حضرت در 13 رجب را در زمان حال استقامتش ذکر کرده یا نه، و در نهایت این که نقل شیخ طوسی قدس سره در کتاب «مصباح المتهجد» از قول او که متوفای 401 آورده خبر است و نه روایت از معصوم، و او در قرن 4 می زیسته پس او شاهد و همعصر با مولی الموحدين علیه السلام نبوده و از دیگری نقل نموده است، آن اشخاص در طریق خبر او چه کسانی هستند؟ معلوم نیست، و در نتیجه خبر او طریق مجهول دارد و فاقد اعتبار است.

ص: 17

1- رجال النجاشی: ص 85 الرقم 207- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عِيَّاشِ بْنِ إِبْرَاهِيمِ بْنِ أَيُّوبَ الْجَوْهَرِيِّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. وَ أُمُّهُ سُكَيْنَةُ بِنْتُ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ بِنْتِ أَخِي الْقَاضِي أَبِي عَمْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ. كَانَ سَمِعَ الْحَدِيثَ وَ أَكْثَرَ وَ اضْطَرَبَ فِي آخِرِ عُمَرِهِ، وَ كَانَ جَدُّهُ وَ أَبُوهُ مِنْ وَجْهِ أَهْلِ بَغْدَادَ أَيَّامِ آلِ حَمَّادٍ وَ الْقَاضِي أَبِي عَمْرٍ. لَهُ كِتَابٌ، مِنْهَا: كِتَابُ مُقْتَضَبِ الْأَثَرِ فِي عَدَدِ الْأَيِّمَةِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، كِتَابُ الْأَغْسَالِ، كِتَابُ أَخْبَارِ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ، كِتَابُ شِعْرِ أَبِي هَاشِمٍ، أَخْبَارُ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، كِتَابُ الْإِسْتِمَالِ عَلَى مَعْرِفَةِ الرَّجَالِ وَ مَنْ رَوَى عَنْ إِمَامٍ إِمَامٍ، كِتَابُ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)، كِتَابُ فِي ذِكْرِ الشُّجَاعِ، كِتَابُ عَمَلِ رَجَبٍ، كِتَابُ عَمَلِ شَهْرِ رَمَضَانَ، كِتَابُ أَخْبَارِ السَّيِّدِ، كِتَابُ اللَّوْلُؤِ وَ صَدِّعَتِهِ وَ أَنْوَاعِهِ، كِتَابُ ذِكْرِ مَنْ رَوَى الْحَدِيثَ مِنْ بَنِي نَاشِرَةَ، كِتَابُ أَخْبَارِ وَكَلَاءِ الْأَيِّمَةِ الْأَرْبَعَةِ. رَأَيْتُ هَذَا الشَّيْخَ، وَ كَانَ صَدِيقًا لِي وَ لِوَالِدَيْ، وَ سَمِعْتُ مِنْهُ شَيْئًا كَثِيرًا، وَ رَأَيْتُ شَيْئًا يَصُدِّعُ عَفْوَتَهُ فَلَمْ أَرَوْهُ شَيْئًا وَ تَجَنَّبْتُهُ، وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ الْقَوِيِّ وَ طَيِّبِ الشَّعْرِ وَ حَسَنِ الْخَطِّ، رَحِمَهُ اللَّهُ وَ سَامَحَهُ، وَ مَاتَ سَنَةَ إِحْدَى وَ أَرْبَعِمِائَةٍ.

2- الرجال، الشيخ الطوسي: ص 413 الرقم 5983-64- أحمد بن محمد بن عياش، يكنى أبا عبد الله، كثير الرواية إلا أنه اختل في آخر عمره، أخبرنا عنه جماعة من أصحابنا، مات سنة إحدى وأربعمئة.

3- فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول: ص 78 الرقم 99- أحمد بن محمد أحمد بن محمد بن عبيد الله بن الحسن بن عياش بن إبراهيم بن أيوب الجوهري، أبو عبد الله، كان سمع الحديث وأكثر، و اختل في آخر عمره، وكان جده وأبوه وجهين بغداد، وأمه س كنية بنت الحسين بن يوسف بن يعقوب بن إسرائيل بن إسحاق، بنت أخي القاضي أبي عمر محمد بن يوسف. وصنف كتباً منها: كتاب مقتضب الأثر في عدد الأئمة الإثني عشر (عليهم السلام)، كتاب الأغسال، كتاب أخبار أبي هاشم الجعفري، كتاب أبي هاشم الجعفري، أخبار جابر الجعفي، كتاب الاشتمال على معرفة الرجال، فيه من روى عن إمام إمام، مختصر، كتاب ما نزل من القرآن في صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، كتاب في ذكر الشجاج، كتاب عمل رجب، كتاب عمل شعبان، كتاب عمل شهر رمضان، كتاب أخبار السيد، كتاب في اللؤلؤ وصنعتة وأنواعه، كتاب ذكر من روى الحديث من بني نادرة، كتاب أخبار وكلاء الأئمة (عليهم السلام) الأربعة، مختصر. أخبرنا بسائر كتبه وروايته جماعة من أصحابنا عنه، ومات سنة إحدى وأربعمئة.

و همچنین آنچه را که کتاب شیخ مفید در کتاب «الإرشاد» و سید رضی در کتاب «خصائص الأئمة» و دیگران درباره تاریخ میلاد در 13 رجب آورده اند همه خبر است و مرسل و نه روایتی از معصوم علیهم السلام.

لکن آنچه را که ما بر ولادت خجسته حضرت در روز یکشنبه هفتم شعبان المعظم دلیل آورده ایم، قول صریح و روشن و دقیق ولی معصوم مشخص و از کتابی معتبر و مشهور نزد امامیه تَعَمَّدَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ و کتاب عمل است و نه کتاب علمی، و سندی متصل و راویان آن همه ثقة هستند، و سند آن صحیح است.

#### اشکال 4

شهرت حدیثی و روایتی را همه قبول دارند، و وقتی حدیثی مشهور است با آن روایت معارض می شود، ترجیح با روایت مشهور می شود، پس 13 رجب اولی است برای باور ولادت مولی.

جواب- آنچه را که ذکر کرده اید خبر است و نه حدیث و روایت مشهور، و مرسل است و فاقد سند و اصلی معتبر، حال چگونه تعارض دارد؟

فرض بر این که برای این روز معین 13 رجب شهرتی باشد، زمانی که علم داریم مأخذ آن از کجاست و عدم اعتبار آن برایمان معلوم است، و از غیر معصوم است، و در مقابلش اقوال دیگری هست، بلکه حدیثی از معصوم و با منبعی معتبر و سندی صحیح وجود دارد، آن شهرت نیز بی اعتبار می گردد، فلیتأمل جیداً.

#### اشکال 5

روایت صفوان روایتی مرسل است.

جواب- می گوئیم شیخ در کتاب «مصباح المتهجد» می فرماید: «رَوَى صَفْوَانٌ» صفوان روایت نموده و نمی فرماید: «رُويَ عَن صَفْوَانٍ» از صفوان روایت شده یعنی این که او به صحت طریق خود به صفوان که آن را در کتاب «الفهرست» خودش

ذکر کرده است باور داشته، آیا به این مرسل می گویند؟!!!

و شیخ مفید می نویسد: وی از شیوخ و خواص اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام و از فقهای مورد وثوق و صالح است. (1)

و شیخ نجاشی قدس سره صفوان را توثیق نموده و می نویسد:

صَفْوَانُ بْنُ مِهْرَانَ بْنِ الْمُغْبِرَةِ الْأَسَدِيِّ مَوْلَاهُمْ ثُمَّ مَوْلَى بَنِي كَاهِلٍ مِنْهُمْ، كُوفِي، ثِقَّةٌ، يُكْنَى أَبُو مُحَمَّدٍ، كَانَ يَسْكُنُ بَنِي حَرَامٍ بِالْكُوفَةِ وَ أَخُوهُ  
حُسَيْنٌ وَ مَسْكِينٌ. رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ كَانَ صَفْوَانُ جَمَالًا، لَهُ كِتَابٌ يَرُويهِ جَمَاعَةٌ؛ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ نُوحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا  
أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُضَاعَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ بِكِتَابِهِ. (2)

از کلام او معلوم می شود: او ثقة و صاحب کتاب است، و کتاب او نزد امامیه معروف بوده است، و جماعتی از امامیه کتاب او را روایت  
نموده اند و شیخ نجاشی نیز به کتاب او طریق دارد.

و شیخ طوسی او را از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام دانسته و در کتاب «الفهرست» خود می نویسد:

صَفْوَانُ بْنُ مِهْرَانَ الْجَمَّالُ لَهُ كِتَابٌ. أَخْبَرَنَا ابْنُ أَبِي جَبْدٍ، عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ، عَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْهُ. (3)

و از کلام شیخ طوسی نیز معلوم است که صفوان دارای کتاب است و شیخ طوسی به کتاب او طریق صحیح دارد، و آنچه را که شیخ طوسی  
در کتاب هایش از صفوان نقل نموده بدین وسیله از ارسال خارج شده اند، فافهم.

ص: 19

---

1- الإرشاد: ج 2 ص 216.

2- الفهرست رقم 525.

3- الفهرست: ص 243 الرقم 357.

اگر ادعای جنابعالی در این مورد صحیح بود، در کتاب التهذیب نیز همان طریق صحیح به کتاب صفوان را انتخاب و نقل می نمودند، چرا چنین نکردند؟

جواب- می گوئیم: این اشکال دلالت بر عدم تحقیق و سطحی نگری مستشکل می کند، زیرا که:

1- شیخ طوسی تَعَمَّدهُ اللهُ بِرَحْمَتِهِ تَألیف کتاب «تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة» را در 25 و یا 26 سالگی خود یعنی در سال 408 و در زمان حیات استاد خود شیخ مفید در بغداد شروع کرده و در سال 413 آن را تمام نموده است.

و در اول التّهذیب مرقوم فرموده:

... وَأَنْ أُتْرَجِمَ كُلِّ بَابٍ حَسَبَ مَا تَرَجَمَهُ ...

از فرموده او معلوم می شود قصد آوردن آن چه معارض با کلام استادش بوده را نداشته است، و صرفاً قصد شرح و ذکر دلایل روائی آن چه را که شیخ مفید آورده بوده است، ائِهَا الطّالِب المبتدي العجول! فَتَفَهَّم جَيِّدًا.

2- جناب شیخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي قدس سره کتاب شریف «مصباح المتهجد» را سال ها پس از تألیف کتاب «التّهذیب» و «المبسوط» و «النهاية» و «الجمال و العقود» و «مسائل الخلاف» و «غیر ذلك» که مرجعیت عام امامیه برایش مستقر شده تألیف کرده است و نه قبل از تألیف کتاب «التّهذیب» که قول 13 رجب که از کتاب «المقنعة» استادش شیخ مفید آورده، ایشان در اول کتاب «مصباح المتهجد» فرموده:

سَأَلْتُمْ أَيَّدِكُمْ اللهُ أَنْ أَجْمَعَ (لَكُمْ) عِبَادَاتِ السَّنَةِ مَا يَتَكَرَّرُ مِنْهَا وَمَا لَا يَتَكَرَّرُ، وَأُضِيفَ إِلَيْهَا الْأَدْعِيَّةُ الْمُخْتَارَةُ عِنْدَ كُلِّ عِبَادَةٍ عَلَى وَجْهِ  
الاختصار دُونَ

التَّطْوِيلِ وَالْإِسْهَابِ، فَإِنْ اسْتَيْفَاءُ الْأَدْعِيَةِ يَطُولُ، وَرُبَّمَا مَلَأَ الْإِنْسَانَ وَتَضَجَرَ مِنْهُ، وَأَسْوَقُ ذَلِكَ سِياقَةً يَمْتَصِّيهِ الْعَمَلُ، وَذَكَرَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَسَائِلِ الْفِقْهِ فِيهِ، دُونَ بَسْطِ الْكَلَامِ فِي مَسَائِلِ الْفِقْهِ وَتَفْرِيعِ الْمَسَائِلِ عَلَيْهَا، فَإِنْ كَتَبْنَا الْمَعْمُولَةَ فِي الْفِقْهِ وَالْأَحْكَامِ تَتَضَمَّنُ ذَلِكَ عَلَى وَجْهِ لَا مَزِيدَ عَلَيْهِ - ك- «الْمَبْسُوطُ» وَ «النَّهَائِيَّةُ» وَ «الْجَمَلُ وَالْعُقُودُ» وَ «مَسَائِلِ الْخِلَافِ» وَ «غَيْرِ ذَلِكَ»، وَالْمَقْصُودُ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ مُجَرَّدَ الْعَمَلِ، وَذَكَرَ الْأَدْعِيَةَ الَّتِي لَمْ نَذْكُرْهَا فِي كُتُبِ الْفِقْهِ، ...

و در آخر کتاب «مصباح المتهجد» فرموده:

... وَ لَتَفْصِيلِ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَفُرُوعِهَا شَرَحَ طَوِيلَ ذِكْرِنَاهُ فِي كُتُبِنَا «النَّهَائِيَّةُ» وَ «الْمَبْسُوطُ» وَ «الْجَمَلُ» وَ «غَيْرِ ذَلِكَ»، فَمَنْ أَرَادَهُ رَجَعَ إِلَيْهِ وَ هَذَا الْقَدْرُ فِيهِ كِفَايَةٌ هَاهُنَا ...

معلوم می شود که:

1- تألیف کتاب «مصباح المتهجد» متأخر از تألیف کتب فقهی مبسوط ایشان است که برخی از آنها را نام می برد؛ «المبسوط»، «النهائية»، «الجمال والعقود»، «مسائل الخلاف» و «غیر ذلك» و از آن ها کتاب التهذیب است.

2- و از کلام ایشان معلوم می شود که این کتاب در اعمال سال است از عبادات و برخی فروع فقهی «... وَأَسْوَقُ ذَلِكَ سِيَاقَةً يَمْتَصِّيهِ الْعَمَلُ، وَذَكَرَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَسَائِلِ الْفِقْهِ فِيهِ، ...» و نه کتابی علمی برای تقه و فقهاء بلکه کتاب عمل است، و ایشان آن ها را قبول داشته است.

و در کتاب «مسائل الخلاف» می نویسد:

ص: 21



... وَ قَدْ ذَكَرْنَا طَرَفًا كَثِيرًا مِنْ ذَلِكَ فِي كِتَابِنَا الْمَعْرُوفِ بِ- «تهذيب الأحكام» وَ كِتَابِ «الاستبصار»، وَ أَنْ كَانَ هَذَا الْكِتَابَانِ مَقْصُورَيْنِ عَلَى مَا نَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ، وَأَنَا مَجِيئُكُمْ إِلَى مَا سَأَلْتُمْ بِعَوْنِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ، حَسَبَ مَا سَأَلْتُمْ. مُعْتَمِدًا فِيهِ الْإِجَازَ حَسَبَ مَا اقْتَرَحْتُمْ، وَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَسْتَمِدُّ الْمَعُونَةَ وَ التَّوْفِيقَ، بِمَنَّةٍ وَ لُطْفِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ، وَ الْقَادِرُ عَلَيْهِ. (1)

در کتاب «مسائل الخلاف» می فرماید که: در دو کتاب مشهورمان «التَّهْذِيبُ» و «الاستبصار» طرفه های بسیاری از این مسائل را پیش تر ذکر نموده ایم ...

که کتاب «التَّهْذِيبُ» پیش از کتاب «الخلاف» نوشته شده است، و در «مصباح المتهجد» نوشته بود که آن را پس از کتاب «الخلاف» نوشته است، بنابراین کتاب شریف «مصباح المتهجد» از آخرین کتاب های تألیفی اوست، و آخرین نظر خود را در آن کتاب که در «أعمال السنّة» است آورده، فلیتفقّه الغافل!!!

والحمد لله ربّ العالمین، وصلی الله علی محمد وآله

ولعنة الله علی أعدائهم أجمعین

منتصف لیلة الجمعة 6 رجب الأصبّ 1440

قم عشّ آل محمد صلّی الله علیهم

عبدهم حیدر حسین الترتبی الكربلائی

ص: 22

1- مطالب السّؤل: ص 63 و مسارّ الشّیعة.

2- بحار الأنوار: ج 35 ص 7 خ 10.

3- كنز الفوائد: ج 1 ص 255.

4- شیخ مفید در کتاب الجمل و النّصرة لسیّد العترة في حرب البصرة: ص 391: می نویسد:

در جنگ جمل حضرت علیّ علیه السّلام بر کشته ها می گذشتند که رسیدند به جنازه عبدالرحمان بن عتّاب و فرمودند: «هَذَا يَعْسُوبُ الْقَوْمَ وَرَأْسُهُمْ صَرِيحاً كَمَا تَرَوْنَهُ».

بحار الأنوار: ج 32 ص 212 ب 3 ح 167- نهج البلاغة: و مِنْ كَلَامٍ لَهُ (عَلِيهِ السَّلَام) لَمَّا مَرَّ بِطَلْحَةَ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ عَتَّابِ بْنِ أُسَيْدٍ وَ هُمَا قَتِيلَانِ يَوْمَ الْجَمَلِ: لَقَدْ أَصَبَحَ أَبُو مُحَمَّدٍ بِهَذَا الْمَكَانِ غَرِيباً- أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَكْرَهُ أَنْ تَكُونَ؟ قُرَيْشٌ؟ قَتَلَى- تَحْتَ بُطُونِ الْكُؤَاكِبِ- أَذْرَكْتُ وَ تَرَى مِنْ؟ بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ؟- وَ أَفَلَتَنِي أَعْيَانُ بَنِي جُمَحٍ لَقَدْ أَتَلَعُوا أَعْنَاقَهُمْ إِلَى أَمْرٍ- لَمْ يَكُونُوا أَهْلَهُ فَوَقَّصُوا دُونَهُ.

5- مصباح المتعجب: ج 2 ص 852- روى صفوان الجمال، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السّلام) قال: « وُلِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي يَوْمِ الْأَخِيرِ إِسْبَعِ خُلُونِ مِنْ شَعْبَانَ».

6- از او: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلّى الله عليه وآله و سلّم): ج 5 ص 279 و بحار الأنوار: ج 35 ص 7 ب 1 و الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة: ج 17 ص 933 و كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء: ص 12 و جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام: ج 20 ص 89.

7- جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع: ص 31- زيارة أمير المؤمنين (عليه السّلام) برواية من شاهد صاحب الزّمان (عجل الله تعالى فرجه الشّريف) و هو يزور بها في اليقظة لا في النّوم يوم الأحد و هو يوم أمير المؤمنين (عليه السّلام): السّلامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَ الدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤَنَعَةِ بِالْإِمَامَةِ وَ عَلَى صَدِّجَيْكَ أَدَمَ وَ نُوحٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَام). السّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. السّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ

وَ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَ هُوَ يَوْمُكَ وَ بِاسْمِكَ وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ فَأُضِيفُنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرُنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَا أُمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

8- الفهرست رقم 357.

9- الفهرست رقم 525.

10- سورة (54) القمر آية 20.

11- سورة (41) فصلت آية 17.

12- مكارم الأخلاق: ص 474 فصل 6- عن الصادق (عليه السلام): «... الثَّالِثَ عَشَرَ يَوْمَ نَحْسٍ مُسْتَوِرٍّ فَانْتَقُوا فِيهِ جَمِيعَ الْأَعْمَالِ ...».

الدروع الواقية، سيّد عليّ بن طاووس: ص 262 فصل 23- حدّثنا أبو نصر محمد بن أحمد بن حمدون الواسطيّ قال: حدّثنا أبو الفرج محمد بن عليّ القنانيّ قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن موسى قال: محمد بن عليّ بن معمر الكوفيّ قال: حدّثنا عليّ بن محمد الرّاهد قال: حدّثنا عاصم بن حميد قال: قال جعفر بن محمد (عليه السلام) وقد سئل عن إختيارات الأيام فقال: «... الْيَوْمُ الثَّالِثَ عَشَرَ مِنَ الشَّهْرِ يَوْمٌ نَحْسٌ، وَ هُوَ يَوْمٌ سُوءٌ، فَاتَّقِ فِيهِ السُّلْطَانَ أَوْ عُمَّالَهُ وَ غَيْرَ ذَلِكَ، وَ لَا تَطْلُبَنَّ فِيهِ حَاجَةً أَصْلًا...».

وسائل الشيعة: ج 11 ص 400 ب 27 ح 15109-2- عليّ بن موسى بن جعفر بن طاووس في كتاب الدروع الواقية بإسناده عن الشيخ أبي جعفر الطوسي، عن جماعة، عن أبي المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني - وذكر أنّه كثير الرواية حسن الحفظ -، عن محمد بن معقل بن وضّاح العجلي، عن محمد بن الحسن بن بنت إلياس، عن أبيه، عن صدقة بن غزوان، عن أخيه سعيد بن غزوان، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد

ص: 24

الصّادق (عليهما السّلام) أنّه ذكر لهم إختيارات الأيّام إلى أن قال: «... الثّالث عشرَ يومَ نحسٍ يُكرهُ في كلّ أمرٍ و يُتقى فيه المُنازعاتُ و الحُكومةُ و لقاءُ السُّلطانِ و غيرهُ و لا يُدهنُ فيه الرّأسُ و لا يُخلقُ السّعرُ و من ضلَّ أو هربَ فيه سلِمَ...».

بحار الأنوار: ج 56 ص 96 ب 22 ح 1- أقول رأيتُ في بعضِ الكُتبِ المُعتبرِ روى فضّلُ اللهِ بنُ عليّ بنِ عبيدِ اللهِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عبدِ اللهِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عبيدِ اللهِ بنِ الحُسينِ بنِ عليّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ الحُسينِ بنِ الحسنِ بنِ عليّ بنِ أبي طالبٍ (عليهما السلام) تولاّه اللهُ في الدارينِ بالحُسنى عن أبي عبدِ اللهِ جعفرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ أحمدَ بنِ العباسِ الدوزيستيّ عن أبي مُحَمَّدِ جعفرِ بنِ أحمدَ بنِ عليّ المونسِيّ القمّيّ عن عليّ بنِ بلالٍ عن أحمدَ بنِ مُحَمَّدِ بنِ يوسفَ عن حبيبِ الخيرِ عن مُحَمَّدِ بنِ الحُسينِ الصّائغِ عن أبيه عن مُعلّى بنِ خنيسٍ قال: دخلتُ على الصّادقِ جعفرِ بنِ مُحَمَّدِ (عليهما السّلام) «... الثّالث عشرَ تيرُوزُ اسمُ المَلِكِ المُوكَلِ بالنجومِ يقولُ الفرسُ إنّه يومُ تَقيلُ سُومِيّ جِداً و يقولُ الصّادقُ إنّه يومُ نحسٍ مُستَتمراً فانتقوه في جميعِ الأعمالِ ما استطعتم و لا تقصدوا و لا تطلبوا فيه الحَاجةَ أصلاً و لا تدخلوا فيه على السُّلطانِ و غيرهُ جهدكم و لا حولَ و لا قوّةَ إلا باللهِ العليّ العظيم...».

بحار الأنوار: ج 56 ص 102 ب 22 ح 4- و أقول: وجدت في بعضِ كتبِ المنجمين مروياً عن مولانا الصّادق (عليه السّلام) في أيّامِ شهورِ الفرس: «... الثّالث عشرَ تيرُ اسمُ ملكٍ مُوكَلٍ بالكواكبِ يومُ نحسٍ يصمُحُ لمُجالسِهِ أهلِ الصّلاحِ و الإشدّ تغالٍ بالدّعاءِ و ليحذرَ فيه جميعِ الأعمالِ لا سيّما لقاءَ الأكابرِ...».

بحار الأنوار: ج 56 ص 105 ب 22 ح 5- رويّهُ أُخرى روى أبو نصرٍ يحيى بنُ جريرِ التّكريتيّ في كتابِ المُختارِ في الإختياراتِ عن أبي الحُسينِ القاريّ عن الحسنِ بنِ أحمدَ بنِ روحٍ عن مُحَمَّدِ بنِ إبراهيمِ عن أبي عبدِ اللهِ جعفرِ الصّادقِ (عليه السّلام) أنّه قال: «...اليومُ الثّالث عشرَ

نَحْسٌ رَدِيٌّ فَتَوَقَّ فِيهِ لِقَاءَ السُّلْطَانِ وَغَيْرَهُ وَاحْذَرْ فِيهِ الرَّمْيَ فَإِنَّهُ مَسُومٌ...».

بحار الأنوار: ج 56 ص 108 ب 22 ح 6- أقول ورؤي أيضاً في بعض الكتب عن الصادق (عليه السلام): اختيارات أيام شهور الفرس على وجه آخر هكذا: «... الثالث عشر تير سعد في فروردين وازديبهشت نحس في تير وسط في سائر الشهور...».

مستدرک الوسائل: ج 8 ص 146 ب 21 ح 9253- السيد أبو القاسم علي بن رضي الدين علي بن طاوس في زوائد الفوائد، عن الصادق عليه السلام أنه قال: «... الثالث عشر يوم نحس فيه هلك ابن نوح و امرأة لوط و هو يوم مذموم في كل حال فاستعد بالله من شره و من ولد فيه كان مسؤوماً عسير الرزق كثير الحقد نكد الخلق و من مرض فيه أو في ليلته يخاف عليه» و الله أعلم و في رواية أخرى «تتقى فيه المنازعات و لقاء السلاطين و الحكومات و حلق الرأس و دهن الشعر و من هرب فيه سلم و إن ولد فيه ذكر لم يعيش...». و سفينة البحار: ج 8 ص 768 «... اليوم الثالث عشر: يوم نحس فاتق فيه المنازعة و لقاء السلطان و كل أمر، ولا تدهن فيه رأساً ولا تحلق فيه شعراً و من ضل فيه أو هرب سلم، و من مرض فيه أجهد و المولود فيه ذكر أنه لا يعيش».

13- مصباح المتعبد: ص 805 قال ابن عياش و خرج إلى أهلي على يد الشيخ الكبير - أبي القاسم رضي الله عنه في مقامه عندهم هذا الدعاء في أيام رجب: ... و الإقبال بالأعمال الحسنة: ج 3 ص 215 الفصل 23 و من الدعوات كل يوم من رجب ما روينا أيضاً عن جدّي أبي جعفر الطوسي قدس الله روحه فقال قال ابن عياش و خرج إلى أهلي على يد الشيخ أبي القاسم رضي الله عنه في مقامه عندهم هذا الدعاء في أيام رجب. البلد الأمين و الدرع الحصين: ص 180 و المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية): ص 530 و بحار الأنوار ج 50 ص 14 ب 1 ح 14- عن المصباحين، و بحار الأنوار: ج 50 ص 116 ب 1 ح 5 عن المتعبد،

و بحار الأنوار: ج 95 ص 394 ب 23 عن المتهجد، و زاد المعاد - مفتاح الجنان، العلامة محمد باقر المجلسي: ص 17 الفصل 3 قال: و روى الشيخ الطوسي و السيد و آخرون بسند معتبر عن الإمام صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) أنه من السنة أن يقرأ هذا الدعاء في كل يوم من أيام رجب، و رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، السيد نعمة الله الجزائري: ج 2 ص 439 الفصل 1 از المتهجد.

14- مولود كعبه، علامه اردوبادي، ترجمه عيسى اهري: ص 158.

15- سورة (50) ق آيه 38.

16- بحار الأنوار: ج 21 ص 121 ب 26 ح 20- تفسير الإمام (عليه السلام) قوله عز و جل و من أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعى في خرابها أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخرة عذاب عظيم قال الإمام قال الحسن بن علي (عليهما السلام) لما بعث الله محمداً (صلى الله عليه و آله و سلم) بمكة و أظهر بها دعوته و نشر بها كلمته و عاب أعيانهم في عبادتهم الأصنام و أخذوه و أساءوا معاشرته و سعوا في خراب المساجد المبنية كانت للقوم من خيار أصحاب محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و شيعه علي بن أبي طالب (عليه السلام) كان بفناء الكعبة مساجد يحيون فيها ما أماته المبطلون فسعى هؤلاء المشركون في خرابها و أذى محمد و أصحابه و إجماعه إلى الخروج من مكة نحو المدينة التفت خلفه إليها و قال الله يعلم أنني أحيي و أهلك أخرجوني عنك لما أثرت عليك بذا و لا ابتغيت عليك بذا و إنني لمعت على مفارقتك فأوحى الله إليه يا محمد الأعلى يقرأ عليك السلام و يقول ستردك إلى هذا البلد ظافراً غانماً سالماً قادراً قاهراً و ذلك قوله تعالى إن الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد يعنى إلى مكة غانماً ظافراً فأخبر بذلك رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) أصحابه فاتصل بأهل مكة فسخرُوا منه فقال الله تعالى لرسوله (صلى الله عليه و آله و سلم) سوف يظفرك الله بمكة و يجرى عليهم حكمي و سوف أمنع عن دخولها المشركين حتى لا يدخلها أحد منهم إلا خائفاً أو دخلها مستخفياً من أنه إن عثر

ص: 27

عَلَيْهِ قُتِلَ فَلَمَّا حُتِمَ قَضَاءُ اللَّهِ بِفَتْحِ مَكَّةَ وَ اسْتَوْسَقَتْ لَهُ أَمْرٌ عَلَيْهِمْ عَتَّابُ بْنُ أُسَيْدٍ فَلَمَّا اتَّصَلَ بِهِمْ خَبْرُهُ قَالُوا إِنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لَا يَزَالُ يَسْتَبْخِفُ بِنَا حَتَّى وَ لَى عَلَيْنَا غُلَامًا حَدَّثَ السَّنَّ ابْنَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ نَحْنُ مَسَائِخُ ذَوِي (ذُؤُو) الْأَسْنَانِ وَ جِيرَانُ حَرَمِ اللَّهِ الْأَمْنِ وَ خَيْرٌ بُقْعَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ كَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لِعَتَّابِ بْنِ أُسَيْدٍ عَهْدًا عَلَى مَكَّةَ وَ كَتَبَ فِي أَوَّلِهِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) إِلَى جِيرَانِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ سُدَّكَانِ حَرَمِ اللَّهِ أَمَّا بَعْدُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) فِي أَقْوَالِهِ مُصَدِّقًا وَ فِي أَعْمَالِهِ مُصَوِّبًا وَ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَخِي مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) رَسُولِهِ وَ نَبِيِّهِ وَ صِدْقِهِ وَ وَصِيِّهِ وَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَهُ مُوَالِيًا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا وَ مَنْ كَانَ لِذَلِكَ أَوْ لَشَيْءٍ مِنْهُ مُخَالِفًا فَسُحْقًا وَ بُعْدًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ وَ إِنْ عَظُمَ وَ كَبُرَ يُصَدِّقُهُ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدًا أَبَدًا وَ قَدْ قَلَّدَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) عَتَّابَ بْنَ أُسَيْدٍ أَحْكَامَكُمْ وَ مَصَدِّقًا لَكُمْ وَ قَدْ فَوَّضَ إِلَيْهِ تَنْبِيْهَ غَافِلِكُمْ وَ تَعْلِيمَ جَاهِلِكُمْ وَ تَقْوِيمَ أَوْدٍ مُضْطَرِّبِكُمْ وَ تَأْدِيبَ مَنْ زَالَ عَنْ أَدَبِ اللَّهِ مِنْكُمْ لِمَا عَلِمَ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ مُوَالَاهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ مِنْ رُجْحَانِهِ فِي التَّعَصُّبِ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ لَى اللَّهُ فَهُوَ لَنَا خَادِمٌ وَ فِي اللَّهِ أَخٌ وَ لِأَوْلِيَانِنَا مُوَالٍ وَ لِأَعْدَائِنَا مُعَادٍ وَ هُوَ لَكُمْ سَمَاءٌ ظَلِيلَةٌ وَ أَرْضٌ زَكِيَّةٌ وَ شَمْسٌ مُضِيئَةٌ قَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلَى كَمَا فَتِكُمْ بِفَضْلِ مُوَالَاتِهِ وَ مَحَبَّتِهِ لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَ حَكَمَهُ عَلَيْكُمْ يَعْمَلُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فَلَنْ يُخْلِيَهُ مِنْ تَوْفِيقِهِ كَمَا أَكْمَلَ مِنْ مُوَالَاهِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) شَرَفَهُ وَ حَظَّهُ لَا يُؤَامِرُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ لَا يُطَالِعُهُ بَلْ هُوَ السَّيِّدُ الْأَمِينُ فَلْيَطْمَعِ الْمُطِيعُ مِنْكُمْ بِحُسْنِ مُعَامَلَتِهِ شَرِيفَ الْجَزَاءِ وَ عَظِيمَ الْجِبَاءِ وَ لِيَتَوَقَّى الْمُخَالَفُ لَهُ شَدِيدَ الْعَذَابِ وَ غَضَبَ الْمَلِكِ الْعَزِيزِ الْغَلَّابِ وَ لَا يَحْتَجَّ مُحْتَجِّجٌ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصِدْقِ سِدِّيقِهِ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلْ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ الْأَكْبَرُ فِي مُوَالَاتِنَا وَ مُوَالَاهِ أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِنَا فَلِذَلِكَ جَعَلْنَاهُ الْأَمِيرَ عَلَيْكُمْ وَ الرَّئِيسَ عَلَيْكُمْ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَمَرَّ حَبَابًا بِهِ وَ مَنْ خَالَفَهُ فَلَا يُبْعَدِ اللَّهُ غَيْرَهُ قَالَ فَلَمَّا وَصَلَ إِلَيْهِمْ عَتَّابٌ وَ قَرَأَ عَهْدَهُ وَ وَقَفَ فِيهِمْ مَوْفِقًا ظَاهِرًا نَادَى فِي جَمَاعَتِهِمْ حَتَّى حَضَرُوهُ وَ قَالَ لَهُمْ مَعَاشِرَ أَهْلِ مَكَّةَ إِنَّ رَسُولَ

اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَمَانِي بِكُمْ شَهَابًا مُحْرِقًا لِمُنَافِقِكُمْ وَرَحْمَةً وَبَرَكَهَةً عَلَى مُؤْمِنِكُمْ وَإِنِّي أَعْلَمُ النَّاسَ بِكُمْ وَبِمُنَافِقِكُمْ وَسَوْفَ أَمُرُّكُمْ بِالصَّلَاةِ فَيَقَامُ بِهَا ثُمَّ أَتَخَلَّفُ أَرَاغِي النَّاسَ فَمَنْ وَجَدْتُهُ قَدْ لَزِمَ الْجَمَاعَةَ التَّزَمْتُ لَهُ حَقَّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَمَنْ وَجَدْتُهُ قَدْ بَعُدَ عَنْهَا فَتَشَدَّتْهُ فَإِنْ وَجَدْتُهُ لَهُ عُذْرًا عَذَرْتُهُ وَإِنْ لَمْ أَجِدْ لَهُ عُذْرًا ضَرَبْتُ عَنْقَهُ حُكْمًا مِنَ اللَّهِ مَقْضِيًّا عَلَى كَافَتِكُمْ لِأُطَهِّرَ حَرَمَ اللَّهِ مِنَ الْمُنَافِقِينَ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ الصِّدْقَ أَمَانَةٌ وَالْفُجُورَ خِيَانَةٌ وَلَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ إِلَّا ضَرَبَتْهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ قَوْمًا عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخِذَ الْحَقِّ مِنْهُ وَضَعِيفٌ كُمْ عِنْدِي قَوْمٌ حَتَّى آخِذَ الْحَقِّ لَهُ اتَّقُوا اللَّهَ وَشَرُّوهُ بَطَاعَةَ اللَّهِ أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَدُلُّوهُا بِمُخَالَفَةِ رَبِّكُمْ فَفَعَلَ وَاللَّهِ كَمَا قَالَ وَعَدَلَّ وَأَنْصَفَ وَأَنْفَذَ الْأَحْكَامَ مُهْتَدِيًّا يَهْدِي اللَّهُ غَيْرَ مُحْتَاجٍ إِلَى مُؤَامَرَةٍ وَلَا مُرَاجَعَةٍ.

17- كنز العمال: ج 13 ص 430.

18- قاموس الرجال: ج 7 ص 102 رقم 4779- عتَّاب بن أسيد الأموي: قال: عدّه الثلاثة في أصحاب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم «أسلم يوم الفتح، واستعمله النبي صلى الله عليه وآله وسلم على مكة، وتوفي يوم موت أبي بكر»، وإني فيه متوقف، لا سيما بعد كونه من بني أمية. أقول: ورد فيه مدائح كثيرة في التفسير المنسوب إلى العسكري عليه السلام إلا أنه تفسير مجعول منكر، ولولا كونه مثلهم لما أبغاه أبو بكر أميراً.

19- الطبقات الكبرى: ج 3 ص 139.

البداية والنهاية: ج 4 ص 325: وَذَكَرَ ابْنُ إِسْحَاقَ أَنَّهُ (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنْ مَكَّةَ فِي خَامِسِ سُؤَالٍ. قَالَ: وَاسْتَخْلَفَ عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ عَتَّابَ بْنَ أُسَيْدِ بْنِ أَبِي الْعَيْصِ بْنِ أُمِّيَّةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسِ الْأُمَوِيِّ. قُلْتُ: وَكَانَ عَمْرُهُ إِذْ ذَاكَ قَرِيبًا مِنْ عِشْرِينَ سَنَةً ...

السيرة الحلبية: ج 3 ص 104: وَوَلَّى (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَتَّابَ بْنَ أُسَيْدِ بْنِ عَمْرٍوَ إِحْدَى وَعِشْرُونَ سَنَةً أَمْرَ مَكَّةَ وَ أَمْرَهُ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَهُوَ أَوَّلُ أَمِيرٍ صَلَّى بِمَكَّةَ بَعْدَ الْفَتْحِ جَمَاعَةً. وَدَرَّ بَسْيَارِي أَزْ كَتَبَ تَارِيخَ وَسِيرِهِ مَانِدَ ابْنِ نَقْلِهَا كَهَذَا ذَكَرَ شَدَّ أَمْدَهُ اسْت.

ص: 29



20- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد: ص 791- شهر ربيع الأول: أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْهُ هَاجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ سَنَةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مِنْ مَبْعَثِهِ وَ فِيهَا كَانَ مَبِيتُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فِرَاشِهِ وَ كَانَتْ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ وَ فِي لَيْلَةِ الرَّابِعِ مِنْهُ كَانَ خُرُوجُهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ مِنَ الْغَارِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْمَدِينَةِ.

الكافي: ج 1 ص 39؛ أبواب التاريخ، باب مولد النبي صلى الله عليه وآله ووفاته: وُلِدَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لِإِثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ فِي عَامِ الْفِيلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَعَ الرَّوَالِ وَ رُوِيَ أَيْضًا عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ بِأَرْبَعِينَ سَنَةً وَ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي أَيَّامِ الشَّدْرِ بِرِيقِ عِنْدِ الْجُمُرَةِ الْوُسْطَى وَ كَانَتْ فِي مَنْزِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ وُلِدَتْ فِي شِعْبِ أَبِي طَالِبٍ فِي دَارِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ فِي الرَّأوِيَةِ الْقُصُومَى عَنْ يَسَارِكِ وَ أَنْتَ دَاخِلُ الدَّارِ وَ قَدْ أَخْرَجَتِ الْخَيْرَانُ ذَلِكَ الْبَيْتَ فَصَدَّ بِيَرْتُهُ مَسَّ جِدًا يُصَدِّمِي النَّاسُ فِيهِ وَ بَقِيَ بِمَكَّةَ بَعْدَ مَبْعَثِهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً ثُمَّ هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ مَكَثَ بِهَا عَشْرَ سِنِينَ ثُمَّ قَبِضَ لِإِثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثِ وَ سِتِّينَ سَنَةً وَ تُوْفِيَ أَبُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَ أَحْوَالِهِ وَ هُوَ ابْنُ شَهْرَيْنِ وَ مَاتَتْ أُمُّهُ أَمْنَةُ بِنْتُ وَهَبِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ بْنِ زُهْرَةَ بْنِ كِلَابِ بْنِ مَرَّةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبٍ وَ هُوَ ابْنُ أَرْبَعِ سِنِينَ وَ مَاتَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) نَحْوُ ثَمَانِ سِنِينَ وَ تَزَوَّجَ خَدِيجَةَ وَ هُوَ ابْنُ بَضْعٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً قَوْلًا لَهُ مِنْهَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) الْقَاسِمُ وَ رُقَيْبَةُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلثُومُ وَ وُلِدَ لَهُ بَعْدَ الْمَبْعَثِ الطَّيِّبُ وَ الطَّاهِرُ وَ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَ رُوِيَ أَيْضًا أَنَّهُ لَمْ يُولَدْ بَعْدَ الْمَبْعَثِ إِلَّا فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَ أَنَّ الطَّيِّبَ وَ الطَّاهِرَ وُلِدَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ وَ مَاتَتْ خَدِيجَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) حِينَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مِنَ الشُّعْبِ وَ كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ الْهَجْرَةِ بِسَنَةٍ وَ مَاتَ أَبُو طَالِبٍ بَعْدَ مَوْتِ خَدِيجَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِسَنَةٍ فَلَمَّا فَقَدَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) سَنَّا الْمَقَامَ بِمَكَّةَ وَ دَخَلَهُ حُزْنٌ شَدِيدٌ وَ شَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرِئِيلَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ الْخُرُوجَ مِنَ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا فَلَيْسَ لَكَ بِمَكَّةَ

الكافي: ج 8 ص 338 ح 539- (محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن - معلق) ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ابْنَ كَمِّ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَوْمَ أَسْلَمَ فَقَالَ أَوْ كَانَ كَافِرًا قَطُّ إِنَّمَا كَانَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) حَيْثُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَشْرَ سِنِينَ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ كَافِرًا وَ لَقَدْ آمَنَ بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ بِرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ سَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ إِلَى الصَّلَاةِ بِثَلَاثِ سِنِينَ وَ كَانَتْ أَوَّلَ صَلَاةٍ صَلَّاهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) الظُّهْرَ رُكْعَتَيْنِ وَ كَذَلِكَ فَرَضَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى مَنْ أَسْلَمَ بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يُصَلِّيَهَا بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ وَ يُصَلِّيَهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَعَهُ بِمَكَّةَ رُكْعَتَيْنِ مُدَّةَ عَشْرِ سِنِينَ حَتَّى هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِلَى الْمَدِينَةِ وَ خَلَفَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي أَمُورٍ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ بِهَا أَحَدٌ غَيْرُهُ وَ كَانَ خُرُوجَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنْ مَكَّةَ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ رِيْبِيعِ الْآوَلِ وَ ذَلِكَ يَوْمُ الْخَمِيْسِ مِنْ سَنَةِ ثَلَاثِ عَشْرَةَ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ لِأَنَّتِي عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رِيْبِيعِ الْآوَلِ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَنَزَلَ بِقُبَا فَصَلَّى الظُّهْرَ رُكْعَتَيْنِ وَ الْعَصْرَ رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ مُقِيمًا يَنْتَظِرُ عَلِيًّا (عليه السلام) يُصَلِّي الْخَمْسَ صَلَوَاتِ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ وَ كَانَ نَازِلًا عَلَى عَمْرٍو بْنِ عَوْفٍ فَأَقَامَ عِنْدَهُمْ بِضَعَةَ عَشْرِ يَوْمًا يَقُولُونَ لَهُ أَتَقِيمُ عِنْدَنَا فَتَتَّخِذَ لَكَ مَنْزِلًا وَ مَسْجِدًا فَيَقُولُ لَا إِنِّي أَنْتَظِرُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ قَدْ أَمَرْتُهُ أَنْ يَلْحَقَنِي وَ لَسْتُ مُسْتَوْطِنًا مَنْزِلًا حَتَّى يَقْدَمَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ مَا أَسْرَعَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَدِمَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي بَيْتِ عَمْرٍو بْنِ عَوْفٍ فَنَزَلَ مَعَهُ ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ عَلِيٌّ (عليه السلام) تَحَوَّلَ مِنْ قُبَا إِلَى بَنِي سَالِمِ بْنِ عَوْفٍ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَعَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَخَطَّ لَهُمْ مَسْجِدًا وَ نَصَبَ قِبْلَتَهُ فَصَلَّى بِهِمْ فِيهِ الْجُمُعَةَ رُكْعَتَيْنِ وَ خَطَبَ خُطْبَتَيْنِ ثُمَّ رَاحَ مِنْ يَوْمِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ

عَلَى نَاقَتِهِ الَّتِي كَانَ قَدِيمَ عَلَيْهَا وَعَلَيْي (عليه السلام) مَعَهُ لَا يُفَارِقُهُ يَمْشِي بِمَشْيِهِ وَ لَيْسَ يَمُرُّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) بِبَطْنٍ مِنْ بَطُونِ الْأَنْصَارِ إِلَّا قَامُوا إِلَيْهِ يَسْأَلُونَهُ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُ لَهُمْ خَلُّوا سَبِيلَ النَّاقَةِ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ فَانْطَلَقَتْ بِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَاضِعٌ لَهَا زِمَامَهَا حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تَرَى وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَابِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) الَّذِي يُصَلِّي عِنْدَهُ بِالْجَنَائِزِ فَوَقَفَتْ عِنْدَهُ وَ بَرَكَتْ وَ وَضَعَتْ جِرَانَهَا عَلَى الْأَرْضِ فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ أَقْبَلَ أَبُو أَيُّوبَ مُبَادِرًا حَتَّى احْتَمَلَ رَحْلَهُ فَأَدْخَلَهُ مَنْزِلَهُ وَ نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ عَلَيَّ (عليه السلام) مَعَهُ حَتَّى بُنِيَ لَهُ مَسْجِدُهُ بُنِيَتْ لَهُ مَسَاكِنُهُ وَ مَنْزِلُ عَلَيَّ (عليه السلام) فَتَحَوَّلَا إِلَى مَنَازِلِهِمَا ...

قصص الأنبياء عليهم السلام، القطب الزاوي: ص 316 ح 394- وإن أباه (صلى الله عليه وآله وسلم) توفي وأمه حبلى و قدمت أمه آمنة بنت وهب على أخواله من بني عدي من التجار بالمدينة ... و أقام بعد البعثة بمكة ثلاث عشرة سنة ثم هاجر منها إلى المدينة بعد أن استتر في الغار ثلاثة أيام و دخل المدينة يوم الإثنين الحادى عشر من شهر ربيع الأول و بقى بها عشر سنين ثم قبض (صلى الله عليه وآله وسلم) يوم الإثنين لليلتين بقيتا من صفر سنة إحدى عشرة من الهجرة.

الإقبال بالأعمال الحسنة: ج 3 ص 105- رَوَيْنَا عَنْ شَيْخِنَا الْمُفِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ كِتَابِ حَدَائِقِ الرِّيَاضِ عِنْدَ ذِكْرِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مَا هَذَا لَفْظُهُ: أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْهُ هَاجَرَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ - سَنَةَ ثَلَاثِ عَشْرَةٍ مِنْ مَبْعَثِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ كَانَ ذَلِكَ يَوْمَ الْخَمِيسِ يُسْتَحَبُّ صِيَامُهُ لِمَا أَظْهَرَ اللَّهُ فِيهِ مِنْ أَمْرِ نَبِيِّهِ وَ نَجَاهِ مِنْ عَدُوِّهِ.

المصباح (جنة الأمان الواقية)، الكفعمي: ص 510- ربيع الأول سمى بذلك لارتباع الناس فيه و كذا ربيع الثاني لأن صلاح أحوالهم كانت في هذين الشهرين في الربيع ... و في أول ليلة منه هاجر النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) من مكة إلى المدينة سنة ثلاث عشرة من مبعثه (صلى الله عليه وآله وسلم) و كان ذلك ليلة الخميس و فيها كان مبيت علي عليه السلام على

فراش النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَفِي صَبِيحَةِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ صَارَ الْمُشْرِكُونَ إِلَى بَابِ الْغَارِ وَأَقَامَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي الْغَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلِيَالِيَهُنَّ وَخَرَجَ فِي رَابِعِهِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَوَصَّلَهَا يَوْمَ الثَّانِي عَشَرَ.

21- مستدركات علم رجال الحديث: ج 5 ص 201 الرقم 9220- عَتَابُ بْنُ أَسَدٍ بْنِ الْعَيْصِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقُرَشِيِّ الْأُمَوِيِّ: أَسْلَمَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ. يَظْهَرُ مِنْ تَفْسِيرِ الْإِمَامِ أَنَّهُ أَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ وَ لَهُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ سَنَةً. وَ كَتَبَ إِلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ كِتَابًا يُسِّدُ بِنْفَادٍ مِنْهُ مَدْحَهُ وَ جَلَالَتَهُ. فَرَأَجَعَ إِلَى بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 21 ص 122 وَ 174. تُوُفِّيَ يَوْمَ مَوْتِ أَبِي بَكْرٍ. وَ ابْنُهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَتَابٍ قُتِلَ مَعَ مَنْ قُتِلَ مِنْ أَصْحَابِ الْجَمَلِ. قَوْلُهُ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ حِينَ سَمِعَ أَذَانَ بِلَالٍ عَلَى ظَهْرِ الْكَعْبَةِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَبِضَ أَبِي حَتَّى لَمْ يَرِ هَذَا الْيَوْمَ. بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 22 ص 54. وَ الظَّاهِرُ أَنَّهُ كَانَ قَبْلَ إِسْلَامِهِ. فَلَمَّا أَسْلَمَ مَحَا عَارَهُ الْإِسْلَامَ، لِأَنَّهُ يَحِبُّ مَا قَبْلَهُ.

22- رجال التجاشي: ص 85 الرقم 207- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عِيَّاشِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَيُّوبَ الْجَوْهَرِيِّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. وَ أُمُّهُ سَكِينَةُ بِنْتُ الْحَسَنِ بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ بِنْتُ أَحْيَى الْقَاضِي أَبِي عُمَرَ مُحَمَّدَ بْنَ يُونُسَ. كَانَ سَمِعَ الْحَدِيثَ وَ أَكْثَرَ وَ اضْطَرَبَ فِي آخِرِ عَمْرِهِ، وَ كَانَ جَدُّهُ وَ أَبُوهُ مِنْ وَجْهِ أَهْلِ بَغْدَادِ أَيَّامِ آلِ حَمَّادٍ وَ الْقَاضِي أَبِي عُمَرَ. لَهُ كِتَابٌ، مِنْهَا: كِتَابُ مُقْتَضَبِ الْأَثَرِ فِي عَدَدِ الْأَيِّمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ، كِتَابُ الْأَعْسَالِ، كِتَابُ أَخْبَارِ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ، كِتَابُ شِعْرِ أَبِي هَاشِمٍ، أَخْبَارُ جَابِرِ الْجَعْفَرِيِّ، كِتَابُ الْإِسْتِمَالِ عَلَى مَعْرِفَةِ الرَّجَالِ وَ مَنْ رَوَى عَنْ إِمَامِ إِمَامٍ، كِتَابُ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)، كِتَابُ فِي ذِكْرِ الشُّجَاعِ، كِتَابُ عَمَلِ رَجَبٍ، كِتَابُ عَمَلِ شَعْبَانَ، كِتَابُ عَمَلِ شَهْرِ رَمَضَانَ، كِتَابُ أَخْبَارِ السَّيِّدِ، كِتَابُ اللَّوْلُؤِ وَ صَدِّقَتِهِ وَ أَنْوَاعِهِ، كِتَابُ ذَكَرَ مَنْ رَوَى الْحَدِيثَ مِنْ بَنِي نَاشِرَةٍ، كِتَابُ أَخْبَارِ وَكَلَاءِ الْأَيِّمَةِ الْأَرْبَعَةِ. رَأَيْتَ هَذَا الشَّيْخَ، وَ كَانَ صَدِيقًا لِي وَ لِوَالِدَيَّ، وَ سَمِعْتُ مِنْهُ شَيْئًا كَثِيرًا، وَ رَأَيْتُ شَيْوَحَنَا يُصَعِّفُونَهُ

فَلَمْ أَرَوْعَهُ شَيْئاً وَتَجَنَّبْتُهُ، وَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ الْقَوِيِّ وَطَيْبِ الشَّعْرِ وَحَسَنِ الْخَطِّ، رَحِمَهُ اللَّهُ وَسَامِحَهُ، وَمَاتَ سَنَةَ إِحْدَى وَ أَرْبَعِمِائَةٍ.

23- الرّجال، الشّيخ الطّوسيّ: ص 413 الرقم 5983-64- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيَّاشٍ، يَكْنَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، كَثِيرُ الرَّوَايَةِ إِلَّا أَنَّهُ اخْتَلَّ فِي آخِرِ عُمُرِهِ، أَخْبَرَنَا عَنْهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، مَاتَ سَنَةَ إِحْدَى وَ أَرْبَعِمِائَةٍ.

24- فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنّفين وأصحاب الأصول: ص 78 الرقم 99- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عِيَّاشِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَيُّوبَ الْجَوْهَرِيِّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، كَانَ سَمِعَ الْحَدِيثَ وَ أَكْثَرَ، وَ اخْتَلَّ فِي آخِرِ عُمُرِهِ، وَ كَانَ جَدَّهُ وَأَبُوهُ وَجْهَيْنِ بَبْغَدَادَ، وَ أُمُّهُ سَدِّ كَيْتَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ، بِنْتُ أَخِي الْقَاضِي أَبِي عُمَرَ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ. وَ صَنَّفَ كُتُباً مِنْهَا: كِتَابُ مُقْتَضَبِ الْأَثَرِ فِي عَدَدِ الْأَيِّمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، كِتَابُ الْأَغْسَالِ، كِتَابُ أَخْبَارِ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ، كِتَابُ شِعْرِ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ، أَخْبَارُ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ، كِتَابُ الْاِشْتِمَالِ عَلَى مَعْرِفَةِ الرِّجَالِ، فِيهِ مِنْ رَوَى عَنْ إِمَامِ إِمَامٍ، مُخْتَصَرٌ، كِتَابُ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي صَدَاحِبِ الْأَمْرِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)، كِتَابُ فِي ذِكْرِ الشَّجَاجِ، كِتَابُ عَمَلِ رَجَبٍ، كِتَابُ عَمَلِ شَعْبَانَ، كِتَابُ عَمَلِ شَهْرِ رَمَضَانَ، كِتَابُ أَخْبَارِ السَّيِّدِ، كِتَابُ فِي اللَّوْلُؤِ وَ صَدُّعَتِهِ وَأَنْوَاعِهِ، كِتَابُ ذَكَرَ مِنْ رَوَى الْحَدِيثَ مِنْ بَنِي نَاشِرَةَ، كِتَابُ أَخْبَارِ وَكَلَاءِ الْأَيِّمَةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) الْأَرْبَعَةَ، مُخْتَصَرٌ. أَخْبَرَنَا بِسَائِرِ كُتُبِهِ وَ رَوَايَاتِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْهُ، وَ مَاتَ سَنَةَ إِحْدَى وَ أَرْبَعِمِائَةٍ.

25- الإرشاد: ج 2 ص 216.

26- الفهرست رقم 525.

27- الفهرست: ص 243 الرقم 357.

28- الخلاف: ج 1 ص 46.

ص: 34

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّتِكَ الْحُجْبَةَ بِنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ

صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيًّا وَعَيْنًا

حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَتُتَمَّتَعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ص: 35



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

